

عکسها و مجسمه ها

○ یاشار شاه بیگلو

۲۳۵

در ۱۹ شهریور ۱۳۵۴ روزنامه کیهان در خبری با عنوان «شناسنامه مجسمه های تهران تهیه شد» اعلام کرد که تا سال مزبور در تهران ۸۴ پیکره و مجسمه وجود داشته است. این آمار را اداره کل زیباسازی شهرداری تهران تهیه کرده بود. از ۸۴ پیکره و مجسمه شناسایی شده، ۱۸ پیکره از محمدرضا شاه پهلوی؛ ۱۲ پیکره از رضاشاه پهلوی؛ یک پیکره از رضا، فرزند محمدرضا پهلوی ساخته شده بود. این خبر از وجود ۷۷ مجسمه و ۱۴ بنای یادبود و ۱۱ نقش برجسته در تهران نیز خبر داده، قدیم ترین و جدیدترین (از لحاظ نصب) و بلندترین مجسمه و یادبود را معرفی می کرد: قدیم ترین آنها مجسمه زنی در پارک جوادیه (تهران پارس) بود که بیش از ۵۴ سال قبل از آن، یعنی حدود ۱۳۰۰ ش، نصب شده بود. جدیدترین آنها نیز لوحه ای بود که در ۹ شهریور ۱۳۵۳ در پارک فرح آباد نصب شده بود. پیکره محمدرضا پهلوی، نصب شده در استادیوم امجدیه (شهید شیرودی فعلی) نیز بلندترین مجسمه ای بوده که ۳/۵ متر ارتفاع داشت. در میان بناهای یادبود هم برج شهید آریامهر (آزادی فعلی) واقع در میدان آزادی) با ۴۵ متر ارتفاع، بلندترین آنها بوده است.^۱

براساس گزارشها و اسناد، اداره ها و کمیسیونهای ویژه ای برای تهیه، نصب و نگهداری مجسمه ها و پیکره ها تشکیل شده وظایفی را به عهده داشتند. از جمله اینها، «کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود» در وزارت فرهنگ (فرهنگ و هنر بعدی) بود. اصلی ترین وظیفه و

مطالعات تاریخی

فعالیت آن، نظارت بر کار تهیه و نصب مجسمه، پیکره و بناهای یادبود در معابر و میدانی عمومی شهرهای مختلف کشور بود. این کمیسیون زیر نظر وزیر فرهنگ فعالیت می‌کرد و مدتی غلامحسین فرگام دبیری آن را به عهده داشت. از اعضای آن هم می‌توان لیلیت طریان، ژیللا مبصر و کاظم شهراسبی را نام برد.

پیشنهاد ساخت، تعویض و یا نصب مجسمه در یکی از میدانی مشهور و مهم شهرها به وزارت فرهنگ و یا سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) می‌رسید و پس از بررسی، تصمیم‌گیری نهایی می‌شد. از جمله:

الف) مشکین شهر: در اواخر شهریور ۱۳۴۹م، مدیرکل اداره سوم (۳۲۵) ساواک در نامه‌ای به ریاست ساواک استان سوم آذربایجان شرقی (تبریز) تقاضا کرد پیکره محمدرضا پهلوی در شهرستان مشکین شهر، به علت متناسب نبودن آن، عوض شود.

برابر اطلاع در چند سال پیش مجسمه‌ای از اعلی حضرت همایونی شاهنشاه آریامهر در میدان شهرستان یادشده نصب گردیده که از نظر قد و فرم و پایه متناسب نبوده و تشابهی با سایر مجسمه‌های نصب شده در سایر نقاط کشور ندارد. خواهشمند است دستور فرمایید در این زمینه تحقیقات لازم معمول و نتیجه را به این اداره کل اعلام دارند.^۲

ساواک آذربایجان شرقی از ساواک اردبیل - که مشکین شهر از شهرهای تابعه آن بود - خواستار انجام تحقیقات بیشتری درباره مجسمه شاه در مشکین شهر شد. نتیجه تحقیقات چنین اعلام شده بود:

به: تیمسار ریاست ساواک - مدیریت کل اداره سوم ۳۲۵ شماره: ۱۳۷۷۰/ه
از: ساواک آذربایجان شرقی تاریخ: ۴۹/۷/۲۷
- خیلی محرمانه

پیوست: —

درباره تعویض پیکره اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر در شهرستان مشکین شهر بازگشت به ۳۲۵/۷۱۸ - ۴۹/۶/۳۱ برابر گزارش ساواک اردبیل مفاد نامه معطوفی کاملاً صحیح بوده و موارد مشروحه زیر در این زمینه مورد تأیید این ساواک می‌باشد. ۱- عدم تناسب مجسمه ۲- کوچکی پیکره نسبت به میدان ۳- طرز ملبوس پیکره که غیرمأنوس می‌باشد ۴- عدم شباهت ۵- عدم توازن نسبت به فلکه و مجسمه شیرهای نصب شده در اطراف میدان.

امضا از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آذربایجان شرقی - سلیمی یمن دار

عکسها و مجسمه ها

بر این اساس ساواک تهران، روز، ۶ آبان، در نامه ای تعویض مجسمه را در مشکین شهر بلامانع اعلام کرد.^۳

ب) دماوند: پیکره محمدرضا پهلوی در میدان ارک شهرستان دماوند (از توابع تهران) با گذشت چند سال از عمر آن، از بین رفته می نمود. بنابراین در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۲ ساواک از وزارت کشور خواست به هر نحو مقتضی در اصلاح آن اقدام کند:

در میدان بزرگ شهرستان دماوند پیکره ای از معظم له وجود دارد که در اثر مرور زمان رنگ آن نامناسب و در خور شأن پیکره موصوف نمی باشد. لذا خواهشمند است دستور فرمایید به هر نحو که مقتضی می دانند در این مورد اقدام نمایند.^۴

اما این موارد جزو وظایف وزارت فرهنگ بود که کمیسیونی نیز به نام کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود، در زیرمجموعه آن وزارت خانه فعالیت می کرد. از این رو پس از ارجاع موضوع به وزارت فرهنگ در اوایل خرداد ۱۳۵۲ هیئتی به شهرستان دماوند اعزام شد تا در این باره اعلام نظر کند. گزارش این هیئت بر تجدید بنای ستون و تعویض پیکره تأکید داشت. شهرداری دماوند هزینه تجدید و تعویض را حدود یک میلیون ریال برآورد کرده بود که در صورت تأمین آن، ستون مجسمه از سنگ مرمر و پیکره آن از سنگ «نوع خیلی مرغوب» ساخته می شد. در ادامه گزارش آمده بود: «... چون تهیه پیکره بایستی از طریق اداره کل آفرینش هنری وزارت فرهنگ و هنر به عمل آید و از طرفی وضع موجود پیکره شاهنشاه آریامهر در میدان شهر دماوند مناسب نمی باشد و با در نظر گرفتن اینکه جهت بنای ستون به جهت موقعیت فصلی دماوند بیش از چهار ماه فرصت نمی باشد مقرر فرمایند ترتیبی داده شود تا مسئولین مربوطه در تجدید بنای پیکره شاهنشاه آریامهر تسریع نمایند.»^۵

افزون بر این پیکره دیگری در همان شهرستان موجود بود که به علت شکستن قسمتهایی از آن در سالی خارج از شهر نگهداری می شد:

به: وزارت فرهنگ و هنر

از: ساواک

درباره پیکره اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر

در شهرستان دماوند پیکره ای از معظم له وجود دارد که به سبب شکستن بعضی از قسمتهای آن در سنوات گذشته از محیط شهر خارج و در سالن هنر شهرستان مذکور با کشیدن پرچم روی آن نگهداری می شود. نظر به اینکه وجود پیکره مزبور به طرز فوق در خور شأن مقام معظم له نمی باشد خواهشمند است دستور فرمایید به هر نحو که مقتضی می دانند در این

مختصات مطالعات تاریخی

مورد اقدام نمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

ارتشبد نصیری - امضا از طرف^۶

سالن ، متعلق به اداره آموزش و پرورش شهرستان دماوند بود و آن اداره نیز قصد تخریب سالن را داشت . ساواک در نامه دیگری از وزارت فرهنگ و هنر خواست درباره پیکره موجود در آن سالن ، اقدام لازم را معمول دارد .

سپس چند تن از اعضای کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود ، در روز ۷ خرداد ۱۳۵۲ ، هم‌زمان با تشکیل جلسه ای درباره مجسمه میدان شهرستان دماوند از مجسمه مزبور در سالن هنر نیز دیدن کردند . لیلیت طریان ، ژیلا مبصر و کاظم شهراسبی از اعضای کمیسیون مزبور به دبیری غلامحسین فرگام در جلسه خود «به علت نداشتن ارزش هنری و همچنین شکستگی قسمتهای مختلف پیکره (که از بتون تهیه شده بود) [آن را] غیرقابل اصلاح و نصب در نقاط مختلف تشخیص دادند»^۷

اما مجسمه در سالن مزبور نگهداری می شد و هیچ اقدامی در انهدام آن انجام نگرفت تا اینکه وزارت آموزش و پرورش ، سالن را تخریب کرد:

به : تیمسار ریاست ساواک - مدیریت کل اداره سوم ۳۴۷ شماره: ۲۲۵۲۰/۷۳۱۶۱

از: ساواک تهران ۲۲۵۲۰ - خیلی محرمانه - تاریخ: ۵۲/۴/۹

درباره پیکره اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر

بازگشت به شماره ۳۴۷/۶۹۴ - ۵۲/۳/۱۷ سالن هنر شهر دماوند تخریب گردیده و پیکره مذکور در خرابه های سالن یاد شده قرار دارد که از نظر اذهان عمومی به مصلحت نمی باشد . با توجه به صورتجلسه کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود مقرر فرمایند در مورد انتقال پیکره موصوف از محل یادشده اقدام و نتیجه را اعلام دارند .

رئیس ساواک تهران . پرنیان فر

امضا از طرف برومند

به رغم این تا ۵ اسفند ۱۳۵۲ وزارت فرهنگ و هنر هیچ اقدامی درباره انتقال مجسمه به مکان دیگر و یا انهدام آن انجام نداده بود . ساواک از صورت جلسه ۷ خرداد وزارت فرهنگ و هنر که پیکره را فاقد ارزش هنری و غیرقابل تعمیر دانسته بود ، تصویری هم به پیوست نامه خود به وزارت آموزش و پرورش ارسال کرد تا بدین طریق و به صورت غیرمستقیم آنها را به انهدام پیکره راهنمایی کنند:

با ایفاد فتوکپی صورتجلسه وزارت فرهنگ و هنر و نظر وزارت خانه یادشده در مورد نقل و انتقال

پیکره اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر از تالار هنر آموزش و پرورش شهرستان دماوند، خواهشمند است دستور فرمایید از نتیجه اقدامات معموله این سازمان را مستحضر نمایند.^۸

ج) بوشهر: در اوایل آبان ۱۳۵۳ ساواک بوشهر از ساواک مرکز تقاضا کرد که مجسمه شاه در میدان شهر، تعویض گردد. ساواک نیز چند روز بعد، در ۷ آبان نامه ای به وزارت فرهنگ و هنر نوشت و موضوع نامه ساواک بوشهر را مطرح کرد: «پیکره مبارک اعلی حضرت همایونی شاهنشاه آریامهر در شهرستان بوشهر به علت فرسایش و چند بار تعمیر استحکام خود را از دست داده و چند قسمت از پیکره ترک برداشته. خواهشمند است دستور فرمایند در این زمینه اقدام لازم معمول و نتیجه را اعلام دارند.»^۹

بر اساس نظر کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود، مجسمه موصوف، به علت فرسودگی غیرقابل تعمیر بوده، می بایست مجسمه جدیدی به جای آن ساخته و نصب می شد. چنین امری علاوه بر تأمین هزینه و اعتبار لازم مستلزم صرف مدتی زمان بود. از این رو مدیرکل آفرینش هنری و ادبی وزارت فرهنگ و هنر، در نامه ای به استانداری بوشهر اعلام کرد:

شماره: ۴۳/۴/۱۶۴

تاریخ: ۵۳/۹/۲۴

استانداری استان بوشهر

بازگشت به نامه محرمانه شماره ۱۳۱/م مورخ ۱۳۵۳/۹/۹ به آگاهی می رساند که با توجه به تأمین اعتبار تهیه و نصب پیکره مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر از طرف شهرداری بوشهر، آگهی مسابقه تهیه و برای درج در روزنامه ها به آن شهرداری فرستاده شده است. کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود اعلام داشته است که چون کار تهیه و نصب پیکره تازه نیازمند مدتی وقت بوده و ممکن است پیکره کنونی در اثر فرسودگی که غیرقابل تعمیر نیز می باشد فروریزد، بهتر است پیکره به صورتی که صلاح باشد از روی پایه برداشته شود و یا بر پرده ای پوشانده گردد. خواهشمند است دستور فرمایید در این باره بانظر مقامات ذی صلاح اقدام و از نتیجه این اداره کل را آگاه نمایند.

مدیر کل آفرینش هنری و ادبی

اشاره مدیرکل آفرینش هنری و ادبی به «مقامات ذی صلاح» به احتمال سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) بوده است چرا که ساواک در تکاپوی دخالت و نفوذ در مسائل مختلف، از جزیی ترین مسئله گرفته تا بزرگ ترین آن بوده است. از این رو اداره های دولتی و غیردولتی هم، با آگاهی از نقشی که در جامعه به ساواک و مقامات آن داده شده بود، خود را ملزم

ساخته شد. اما پس از گذشت هفت ماه اقدامی در نصب پیکره انجام نپذیرفته تلاشی برای آن مشاهده نمی شد. از این رو در ۲ اردیبهشت سال بعد، ساواک نامه زیر را به وزارت فرهنگ و هنر ارسال کرد:

به: وزارت فرهنگ و هنر

از: ساواک [درباره] پیکره اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر

به قرار اطلاع در میدان رستخیز بخش آبدانان از توابع استان ایلام حدود هفت ماه است جهت نصب پیکره اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر ستونی ساخته شده که با وجود فراهم شدن مقدمات کار تاکنون هیچ گونه اقدامی در مورد نصب پیکره مورد بحث به عمل نیامده است.

خواهشمند است دستور فرمایید از اقداماتی که در این زمینه معمول می دارند این سازمان را آگاه سازند. الف. امضا از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور. ارتشبد نصیری^{۱۲}

مهرداد پهلبد، وزیر فرهنگ و هنر، نیز در پاسخ خاطر نشان کرد که کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود به منظور بررسی محل نصب و تعیین نوع و ارتفاع پیکره نیاز به نقشه جغرافیایی از محل مزبور دارد؛ «که باید توسط سازمان پیشنهاد دهنده [استانداری ایلام] تهیه گردد و در اختیار کمیسیون نامبرده قرار گیرد. به منظور دریافت این اطلاعات در تاریخ ۲۵۳۴/۹/۱۶ [۱۳۵۴ ش] طی نامه شماره ۴۳/۵۰۳۰ شرحی به استانداری ایلام و پشتکوه نوشته شده و طی نامه شماره ۴۳/۲۸۰ مورخ ۲۵۳۵/۱/۲۵ نیز پی گیری گردیده است ولی متأسفانه این اطلاعات تاکنون در اختیار کمیسیون قرار نگرفته تا بر اساس آن اقدامات مربوط به تهیه و نصب پیکره را دنبال کند. خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایید که استانداری استان ایلام و پشتکوه اطلاعات خواسته شده را هر چه زودتر بفرستند، و این نکته را نیز روشن کنند که ستون ساخته شده در هفت ماه پیش به چه منظور بوده است. زیرا نصب پیکره مستلزم ساخت ستون نیست و طرح پایه پس از اینکه ماکت آن مورد تأیید و تصویب علیاحضرت شهبانوی ایران قرار گرفت به وسیله سازنده پیکره تهیه و به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد.»^{۱۳}

از فحوای نامه چنین به نظر می رسد که میان استانداری ایلام و پشتکوه و وزارت فرهنگ و هنر اختلافاتی وجود داشت، که موجب عدم تحقق پیشنهاد مزبور شد.

علاوه بر عدم هماهنگی میان اداره های گوناگون اعمال نفوذ و نظارت فرح پهلوی، به عنوان ملکه، بر تهیه و نصب مجسمه، پیکره و یا هر بنای یادبود در شهرها و اماکن مختلف کشور را نیز باید در نظر داشت. به طوری که پیش از هر اقدامی، کار تهیه و نصب مجسمه و پیکره، به تأیید و تصویب او می رسید، سپس اقدامات دیگر انجام می پذیرفت.

در هر حال ساواک با پی گیری موضوع نصب پیکره در آبدانان به وزیر فرهنگ نوشت: «چون

مختصانه مطالعات تاریخی

می دیدند؛ حتی در مسائلی چون پرده کشی بر روی یک مجسمه و یا انتقال آن از جایی به محلی دیگر، نظر آن سازمان را هم جویا شده، خواسته هایشان را تأمین کنند. چنان که در نامه ۲ دی ۱۳۵۳ وزیر فرهنگ و هنر به سازمان اطلاعات و امنیت کشور نیز تصریح شده بود:

شماره: ۱۶۸/م/۴۳/۳۹۲۴/۱۶/م

تاریخ: ۵۳/۱۰/۲ - محرمانه -

پیوست: دارد

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

پیرو نامه شماره ۱۳۹/م/۲ مورخ ۱۳۵۳/۸/۱۸ و بازگشت به نامه شماره ۳۴۷/۹۱۰ مورخ ۱۳۵۳/۸/۷ به پیوست رونوشت شماره ۴۳/م/۱۶۴ مورخ ۱۳۵۳/۹/۲۴ اداره کل آفرینش هنری و ادبی این وزارت به استانداری استان بوشهر در مورد تجدید ساخت پیکره مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر در بوشهر برای آگاهی و هرگونه اقدام مقتضی فرستاده می شود. امضا از طرف وزیر فرهنگ و هنر

۲۴۰

د) ماکو: در ۲۰ بهمن ۱۳۵۳ بر اثر وزش باد شدید، شمشیر پیکره محمدرضا پهلوی در میدان ۶ بهمن شهرستان ماکو شکست و به زمین افتاد که ساواک پس از کسب آگاهی از آن، از وزارت فرهنگ و هنر خواستار مرمت پیکره مزبور شد.^{۱۰} وزارت فرهنگ و هنر نیز در پاسخ بدان، نوشت که «چون برای تعمیر پیکره مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر اطلاعاتی از قبیل نوع جنس و بلندی پیکره و نام سازنده و تاریخ ساخت مورد نیاز بود تلگرافی از شهرداری ماکو [موارد مذکور] استفسار گردید. بدیهی است پس از وصول پاسخ و بررسی موارد اقدام لازم به عمل می آید. - امضا وزیر فرهنگ و هنر»^{۱۱}

ه) آبدانان: در ۱۳۵۴ ش استانداری ایلام و پشتکوه از وزارت فرهنگ و هنر درخواست کرد در شهرهای آبدانان و مهران، پیکره ای از محمدرضا شاه پهلوی تهیه و نصب گردد. وزارت فرهنگ نیز برابر ضوابط مربوط به تهیه و نصب مجسمه و پیکره، که باید بیش از آن، تأسیسات و امکانات رفاهی شهرها و مناطق درخواست کننده، مورد بررسی قرار می گرفت؛ پس از بررسی گزارش ارسالی از استانداری ایلام اعلام کرد که «نصب پیکره در آبدانان لازم نیست». نتیجه بررسیهای مربوط به شهر مهران نیز به همین گونه بود. به رغم این، استانداری اصرار داشت که با توجه به «وضعیت خاص منطقه ایجاب می کند که پیکره شاه» باید در آنجا نصب گردد. سپس در وسط میدان رستاخیز بخش آبدانان ستونی برای نصب پیکره محمدرضا پهلوی

مجموعه مطالعات تاریخی

شهر مزبور از لحاظ عمران و آبادانی برای نصب پیکره واجد شرایط نیست لذا به نظر این سازمان اصلاح است که ابتدا از طریق استانداری نسبت به عمران و آبادانی شهر اقدام لازم معمول و سپس پیکره نصب گردد.^{۱۴}

با این حال در نامه ۷ شهریور ۱۳۵۶، وزارت فرهنگ و هنر به رئیس ساواک، نعمت‌الله نصیری، اعلام کرد که استاندار صرف نظر از اینکه شهرهای مذکور، شرایط آبادانی لازم را برای نصب پیکره ندارند، «به وضعیت خاص منطقه» اشاره می‌کند که بر اساس آن ایجاب می‌نماید پیکره شاه در آنجا نصب شود. بنابراین از رئیس ساواک خواست «از این نظر موضوع را مورد رسیدگی قرار دهند تا چنانچه ضرورت انجام این امر ایجاب کرد استثنائاً [استثنائاً] وزارت فرهنگ و هنر، بدون در نظر گرفتن مسائل رفاهی شهر در باب تهیه و نصب پیکره همایونی اقدام نماید». ساواک نیز با اشاره به نظر استانداری نوشت: «وقتی که استانداری اصرار دارد که از لحاظ موقعیت محلی ایجاب می‌نماید، او باید محل [را] برای نصب پیکره از لحاظ عمران و آبادانی شهر ایجاد نماید تا پیکره نصب شود.»^{۱۵}

۲۴۲

(و ساری: استانداری مازندران بدون کسب نظر کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود وزارت فرهنگ و هنر، پیکره‌ای ترکیبی از محمدرضا پهلوی به همراه دو دهقان و چند ارابه را در اطراف آن در میدان ورودی شهر ساری نصب کرد، که در ۴ اردیبهشت ۱۳۵۶ با اجرای مراسمی از سوی استانداری و با حضور فرح پهلوی، از آن پرده برداری شد. چنین اقدامی اعتراض وزارت فرهنگ و هنر را برانگیخت و آن را مغایر با مقررات کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود دانست که بدون کسب مجوز نصب و پرده برداری از آن وزارت خانه صورت گرفته است. به دنبال آن حدود یک ماه و نیم بعد، در ۲۲ خرداد، اعضای کمیسیون مزبور به ساری اعزام گردیدند و گزارشی از وضعیت پیکره و مجسمه‌های نصب شده در میدان ورودی شهر تهیه کردند، که بر اساس آن پیکره محمدرضا شاه «از نظر اجرا در هنگام بزرگ کردن ماکت و ریخته‌گری دارای نواقصی در شباهت [و؟] سر و گردن و دست راست و برخی موارد دیگر» بود. همچنین پیکره یکی از دهقانها که جنس آن برخلاف آیین نامه تهیه نصب و پرده برداری پیکره‌ها از گچ یا فایبرگلاس ساخته شده، پس از گذشت حدود یک ماه «به کلی خراب شده و تنها آرماتورهایی از آن باقی مانده است، که ناگزیر بر روی آن چادر کشیده‌اند.» کمیسیون مزبور در ادامه گزارش خود، علت بروز این نواقص را «عدم رعایت مقررات مربوط در تهیه و نصب پیکره‌ها از سوی استاندار و مقامات استان» مازندران ذکر کرد، که «بدون کسب مجوزهای لازم رأساً اقدام به نصب و پرده برداری [از] پیکره نموده‌اند.» همچنین تهیه و نصب چهار ارابه در اطراف پیکره شاه

را برخلاف تصویب نامه هیئت وزیران مورخ ۲ شهریور ۱۳۴۵ دانسته ، متذکر شدند که نصب مجسمه های مزبور در برنامه کار تهیه و نصب پیکره در این میدان نبوده است . مهدی زواره ای مدیرکل دفتر پژوهش و آفرینش وزارت فرهنگ و هنر در گزارش ویژه ای به وزیر فرهنگ و هنر تقاضا کرد که با توجه به نظر کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود ، اجازه دهد «مراتب به وزارت کشور اطلاع داده شود تا هر چه زودتر به مقامات استان اطلاع دهند روی پیکره را با پرچم پوشانند و ترتیب اصلاح پیکره را از طریق پیکرساز مربوط بدهند.»^{۱۶}

در ۱۸ تیر ۱۳۵۶ مهرداد پهلبد ، وزیر فرهنگ و هنر در نامه ای با پیوست گزارش دفتر پژوهش و آفرینش آن وزارت خانه به ساواک ، موضوع پوشانیدن پیکره های میدان ورودی شهر ساری را به نصیری ، رئیس ساواک یادآوری کرد و نوشت : «با ارسال عین این گزارش به وزارت کشور نیز اطلاع داده شده است که نسبت به پوشاندن پیکره و اصلاح آن از طریق استانداری مازندران اقدام لازم به عمل آورند.»^{۱۷}

پانزده روز بعد ، ثابتی مدیرکل اداره سوم ساواک ، از ریاست ساواک مازندران خواست

درباره درخواست وزیر فرهنگ و هنر اقدامات لازم را انجام دهد .

به : ریاست سازمان اطلاعات و امنیت مازندران

از : ۳۴۷

درباره پیکره مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر

برابر گزارش وزارت فرهنگ و هنر پیکره ملوکانه که در میدان ورودی شهر ساری نصب گردیده دارای نواقصی در شباهت ، سر ، گردن ، دست راست و برخی موارد دیگر می باشد . خواهشمند است دستور فرمایند از نتیجه اقداماتی که استانداری نسبت به پوشاندن پیکره و اصلاح آن به عمل آورده این اداره کل را آگاه نمایند . امضا از طرف مدیرکل اداره سوم . ثابتی^{۱۸}

ذ) گنبد کاوس : از جمله مجسمه هایی که در اثر مرور زمان آسیب دیده و باید مرمت می شد ، مجسمه رضاشاه پهلوی در شهرستان گنبدکاوس بود ، که نماینده وزارت فرهنگ و هنر در آن شهر از کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود خواستار مرمت مجسمه مزبور شد . کمیسیون نیز پیکره سازی را مأمور مرمت آن کرد . اما پیکره ساز پس از بازدید از مجسمه و بررسی ترکهایی که در آن ایجاد شده بود ، در گزارش خود اعلام نمود :

چون پیکره از بتون و در حدود بیست سال پیش ساخته و نصب شده است در اثر مرور زمان آسیبها و ترکهایی پیدا کرده است که قابل مرمت نیست .

علاوه بر این گزارش ، عکسهایی هم از پیکره تهیه شد و در اختیار کمیسیون مزبور قرار

گرفت. اما چون کمیسیون مجسمه را دارای ارزش هنری تشخیص داد اعلام نمود که «پیکره [ای] قالب گیری و برنزی شود و عیناً به جای پیکره سابق نصب گردد». این اعلام نظر در ۸ و ۱۴ مهر ۱۳۵۴ به ترتیب به آگاهی نماینده وزارت فرهنگ و هنر در گنبدکاووس و شهرداری آن شهر رسید. حدود یک ماه بعد، در ۱۸ آبان هم کمیسیون نصب مجسمه و بناهای یادبود از شهرداری گنبدکاووس تقاضا کرد اعتبار لازم را برای انجام کار تأمین کند. با وجود این تا زمان ارسال گزارش (اول بهمن ۱۳۵۶)، «به علت مشکلات مالی شهرداری یا به دلایل دیگری موضوع مسکوت مانده» بود.^{۱۹}

* * *

هنر عکاسی نیز سیری چون مجسمه در این کشور را طی کرد. پای هنر عکاسی، ده سال پس از اختراع دوربین عکاسی در اروپا به ایران باز شد و از همان ابتدا این هنر در خدمت دربار قاجار قرار گرفت و چنان محدود شد که کسی حق استفاده شخصی از آن و ثبت رخدادی را نداشت. در دوره پهلوی نیز صورت دیگری از محدودیت و سانسور در عکس و عکاسی تعریف شد. نخستین بار در اردیبهشت ۱۳۱۷ اداره تبلیغات و جلب سیاحان (وابسته به وزارت داخله - کشور) در نامه ای به رئیس الوزرا (نخست وزیر - محمود جم) از تنظیم و تدوین مقرراتی برای عکاسان و فیلم برداران، نقاشان و طراحان خارجی سخن به میان آورد که برای تهیه عکس، فیلم، نگاره و یا طرح به ایران می آیند و در شهرها و روستاها به گردش می پردازند. در این نامه به کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت خانه های امور خارجه، معارف و اوقاف، داخله و اداره های کل شهربانی و گمرک اشاره شده که به منظور بررسی امور مربوط به عکس و فیلم برداری و غیره تشکیل می یافت و آیین نامه ای را نیز تهیه کرده بود. آیین نامه مزبور شامل ۳ فصل با ۱۳ ماده بود که در فصل دوم آن (با مجموع ۳ ماده) به ضوابط مربوط به عکس برداری، نقاشی و طراحی می پرداخت. مضمون مواد سه گانه آن تصریح می کرد که کسی حق ندارد بدون داشتن پروانه از اداره کل شهربانی در معابر، خیابانها، عمارات، ابنیه ها و آثار تاریخی و مذهبی اقدام به عکس برداری کند و باید قبلاً از آن اداره پروانه و مجوز بگیرد.^{۲۰}

چند سال بعد در اواخر اردیبهشت ۱۳۳۳ مدیرکل وقت اداره انتشارات و تبلیغات نامه ای به زاهدی، نخست وزیر وقت نوشت و ضمن اشاره به آیین نامه سال ۱۳۱۷ ش یادآور شد که این آیین نامه «با تغییراتی که در اوضاع ایران و سایر کشورها روی داده متناسب با مقتضیات فعلی دنیا و کشور ما نیست و انجام مقررات آن باعث اشکال می باشد».^{۲۱}

او با اشاره به نمونه ای از مکاتبات انجام شده، از دو نفر آلمانی، که اخیراً به تهران آمده بودند، یاد کرده بود که در آن مقررات مربوط به عکس برداری را در ایران خشک و کسل کننده و

باعث زحمت فراوان سیاحان خارجی دانسته بودند. بنابراین معتقد بود که بدون عکس برداری از ایران، شناخت و معرفی این کشور در دیگر کشورها برای ملل جهان ناممکن است. بزرگمهر، مدیرکل انتشارات و تبلیغات، در پایان نوشته اش خواسته بود کمیسیونی در این باره، با شرکت نمایندگان وزارت امور خارجه و ادارات شهربانی و ستاد ارتش تشکیل و آیین نامه جدیدی برای عکس برداری و فیلم برداری مخبرین و سیاحان و سایر امور مربوط به مسافرت خارجی در داخل کشور تنظیم گردد.^{۲۲}

به دنبال آن کمیسیون مزبور موادی را به تصویب رساند که در ماده پنجم آن آمده بود:

ماده ۵ - عکس برداری و نقاشی و طراحی به طور کلی آزاد است و عکس برداری و نقاشی و طراحی از داخل کارخانجات و مؤسسات دولتی بدون دریافت پروانه از وزارت کشور ممنوع می باشد. برای عکس برداری از داخل ابنیه و آثار تاریخی و مشاهد متبرکه موافقت قبلی وزارت فرهنگ (اداره کل باستان شناسی) در تهران و ادارات فرهنگ در شهرستانها لازم است.^{۲۳}

با وجود این، حکومت برای موضوعات دیگر نیز باید تدابیری می اندیشید. از جمله عکسهایی که از محمدرضا پهلوی، به عنوان شاه و دیگر اعضای خانواده و یا افراد وابسته به دربار او برداشته می شد. بر اساس اسناد موجود این موضوع دارای اهمیت ویژه ای بود و دوایر امنیتی و اطلاعاتی را به تکاپو انداخته بود. معروف ترین و اصلی ترین دایره اطلاعاتی و امنیتی، سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) بود که جزئی ترین حادثه و یا عمل انجام یافته را در این باره جمع می آورد و سعی در کنترل اوضاع داشت.

اطلاعیه - اطلاع واصله حاکی است در شعبه ۳ بازرسی ناحیه ۲ دادسرای تهران، واقع در خیابان فروردین تمثالهای مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران در محل های نامناسب (روی شومافز و پنجره) قرار دارند. ارزیابی: خبر صحت دارد. اداره چهارم^{۲۴}

اسناد و گزارشهایی که توسط مأموران ساواک تهیه شده بود و مکاتباتی که میان ساواک و دیگر سازمانها، وزارتخانه ها و ادارات مختلف انجام گرفته بود، نشان می دهد که چگونگی تهیه، نگهداری و انتشار مطالب و تصاویر مربوط به خاندان پهلوی برای حکومت مهم و مستلزم کنترل بوده است. از این رو به بررسی جزئیات آن می پردازیم:

نحوه نگهداری و نصب عکسها در اماکن عمومی و دولتی

نصب عکسهایی از محمدرضا پهلوی در اداره های دولتی و غیردولتی و چگونگی نگهداری آن، تغییر محل عکس شاه، عدم توجه به نگهداری و یا بی دقتی در تعیین محل نصب آن و رفتارهایی از این دست در زمان و مکانهای مختلف، با رویکرد مخالفتمیز مردم نسبت به

مطالعات تاریخی

سلطنت پهلوی بی ارتباط نبود. بر این اساس، مأموران ساواک می کوشیدند کوچک ترین رفتارها را که چنین نگرشی را در درون خود مخفی داشت - از هر کجا و نقطه ای که بود - به مرکز متبوع خود گزارش کنند.

- محرمانه - تغییر محل نصب تمثال مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر

فریدون ایازی مهندس کارخانه خرمای شهرستان بم در روز ۱۳۴۸/۹/۱۹ تمثال مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر را که در مدخل کریدور کارخانه و بالای در ورودی نصب بوده به عنوان اینکه جای آن مناسب نیست پایین آورده و دستور داده که در جای دیگری یا در اطاق زنراتور نصب گردد، ولی با اعتراض چند نفر از کارکنان کارخانه روبه رو شده و تمثال دوباره توسط اشخاص مذکور در همان جای نخستین قرار داده شده است. ارزیابی: صحت دارد. نظریه: ۲۵

ساواک چهارمحال و بختیاری در گزارشی به مدیریت کل اداره سوم (۳۴۷) پیشنهاد کرده است که چگونگی نصب عکس خاندان پهلوی (محمدرضا، فرح و رضا - ولیعهد) و پرچم ملی ایران را در اداره ها و اماکن دولتی مورد بررسی قرار داده، قوانینی در این باره وضع شود.

به: مدیریت کل اداره سوم (۳۴۷) شماره: ۱۹/۳۷۸۴ ه
از: ساواک چهارمحال و بختیاری - خلیلی محرمانه -
تاریخ: ۵/۱۱/۱۸
درباره نحوه نگهداری و نصب تمثال همایونی و والا حضرت ولایتعهد و علیاحضرت شهبانوی ایران و پرچم ملی ایران

گزارش ساواک بروجن حاکی است که ضمن بررسیهایی که به عمل آمده مشاهده شده در دفاتر رؤسا و کارمندان ادارات و اماکن نحوه نصب و نگهداری تمثال همایونی و علیاحضرت شهبانو و والا حضرت ولایتعهد با یکدیگر تفاوت دارد مثلاً در دفتر کار یک رئیس اداره چندین نوع تمثال وجود دارد که به طور غیرمنظم در گوشه ای نصب شده است و در بعضی دفاتر مشاهده می شود تمثالها بر روی زمین گذارده شده است که اتخاذ این روش از نظر افکار عمومی بویژه بیگانگان که به سببی به دفاتر کار رؤسا و کارمندان ادارات مراجعه می کنند صحیح به نظر نمی رسد. علی هذا به منظور اینکه در مورد نصب تمثال همایونی و به طور کلی خاندان جلیل سلطنت در سر تا سر کشور یک نواختی به وجود آید پیشنهاد می شود در کلیه ادارات تمثال همایونی و علیاحضرت و والا حضرت ولایتعهد و پرچم ملی کشور به صورت استاندارد درآید و نحوه نصب تمثال در دفاتر رؤسا و کارمندان ادارات از مقام بالا تا پایین ترین رده اداری به صورت یکنواخت باشد. مضافاً اینکه در سازمانهای انتظامی تمثال همایونی با اینفورم ارتشی نصب گردد. لذا مستدعی است مقرر فرمایند پیشنهاد فوق مورد بررسی در صورت تصویب روشهای

صحیح اتخاذ و به مورد اجرا درآید/م.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت چهار محال و بختیاری . محبوبیان [امضا]

در ذیل نامه رئیس ساواک چهار محال و بختیاری ، آمده است که مقررات مزبور باید از طریق دربار ابلاغ شود «بسنده است آقای امیرقاسمی از تشریفات دربار شاهنشاهی [ناخوانا] تمثال نظامی و غیرنظامی در کجاها باید نصب شود.» به نظر می رسد به دنبال همین گزارش و پیشنهاد بوده است که کمیسیونی با حضور اسدالله علم وزیر وقت دربار و رئیس ساواک تشکیل و پس از بررسی و مطالعات لازم مقرر شد عکسهای خاندان سلطنت به طور استاندارد تهیه و در کلیه وزارت خانه ها و سازمانها و اداره های دولتی و ملی مورد استفاده قرار گیرد.^{۲۶} کمیسیون دیگری با دستور فرح پهلوی در وزارت اطلاعات و جهانگردی تشکیل شد و علاوه بر وزیر یا معاون مطبوعاتی وزارت اطلاعات و جهانگردی و رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور ، نمایندگان وزارت امور خارجه و شهربانی کل کشور در آن کمیسیون شرکت داشتند. در بند ۱۴ مشروح صورت جلسه آن آمده است : «۱۴- در اجرای اوامر علیاحضرت شهبانوی ایران در خصوص بررسی موضوع نحوه و اماکن نصب تمثالهای خاندان جلیل سلطنت ضرورت دارد هر چه زودتر بررسیهای لازم انجام شده و گزارش امر آماده شود که به پیشگاه مبارکشان تقدیم شود. ضمناً از نماینده وزارت امور خارجه تقاضا می شود تحقیقات و اطلاعاتی را که قرار بود درباره سایر کشورهای سلطنتی انجام دهند زودتر در اختیار کمیسیون قرار دهند. همچنین از نماینده شهربانی کشور تقاضا می شود صورت اماکن عمومی را در اختیار کمیسیون بگذارد که نظر سازمانهای مختلف اخذ شده و گزارش امر تقدیم شود. جلسه مقارن ساعت ۱/۶ پایان یافت .»

وزارت امور خارجه پیش از این از نمایندگان در دیگر کشورها خواستار ارائه گزارشهایی در این باره شده بود و برخی از آنان نیز بدان درخواست ، پاسخ داده بودند. نخستین آنها نامه پرویز سپهبدی سفیر ایران در کپنهاک (دانمارک) است که در ۲۷ مهر ۱۳۵۳ فرستاده است :

شماره: ۱۴۰۸

تاریخ: ۱۳۵۳/۷/۲۷

پیوست : —

وزارت امور خارجه - اداره وابستگیهای مطبوعاتی

در پاسخ نامه شماره ۱۲۳۱۲/۲۵ - ۵۳/۷/۵ اشعار می دارد: در دانمارک مقررات خاصی برای نصب عکس رئیس کشور علیاحضرت ملکه مارگرت وجود ندارد. تنها نمایندگیهای سیاسی دانمارک در خارج و نیز ادارات پلیس و گمرک در مرزهای کشور موظف به نصب عکس ملکه دانمارک و همسرشان پرنس هنریک می باشند. در این گونه موارد عکس ملکه طرف چپ

و عکس والا حضرت پرنس هنریک در سمت راست قرار داده می شود. سوای موارد بالا نصب عکس ملکه دانمارک در ادارات دولتی یا ملی بستگی به تصمیم خود افراد دارد و شامل مقررات خاصی نمی باشد. م

سفیر شاهنشاه آریامهر - پرویز سپهبدی [امضا]

شرف الدین خلعت بری ، کاردار موقت ایران در استکهلم ، دیگر مسئول سفارت خانه های خارجه بود که «در باره نصب عکس اعلی حضرت پادشاه سوئد در مؤسسات دولتی و خصوصی و اماکن عمومی» نوشته بود:

به طوری که مقامات دربار و وزارت خارجه سوئد اظهار می دارند مقررات و رویه ای در خصوص نصب عکس اعلی حضرت پادشاه در مؤسسات دولتی و خصوصی و اماکن عمومی سوئد وجود ندارد و هر مؤسسه ای که مایل به نصب عکس اعلی حضرت پادشاه سوئد باشد می تواند آن را از عکاس وابسته به دربار خریداری کند.

کاردار موقت شرف الدین خلعت بری [امضا]^{۲۷}

سفیر ایران در لندن هم پس از انجام تحقیقات لازم از اداره تشریفات وزارت امور خارجه انگلیس در ۱۰ آبان ۱۳۵۳ با ارسال نامه ای به وزارت امور خارجه ایران رویه معمول را در نصب عکس ملکه انگلستان در نمایندگیهای سیاسی و کنسولی انگلیس در کشورهای خارجی را تشریح کرد:

الف - تصویر رنگی بزرگ که معمولاً مخصوص نصب در رزیدانس [اقامتگاه] سفیر است و انتخاب محل نصب آن با توجه به اندازه و شکل سالن پذیرایی با خود سفیر است. ب) عکس سیاه و سفید کوچک با قاب نقره ای که از طرف علیاحضرت ملکه امضاء شده است. این عکس نیز مخصوص استفاده در رزیدانس سفیر است و محل قرار دادن آن به تشخیص خود سفیر روی طاقچه ، بخاری ، پیانو یا میز می باشد. ج) عکس سیاه و سفید بزرگ و امضاء شده علیاحضرت ملکه که مخصوص نصب در نمایندگیهای کنسولی است و محل نصب معمولاً در اطاقی است که در آنجا مراسم قانونی از قبیل عقد ازدواج و غیره صورت می گیرد.^{۲۸}

او در ادامه گزارش خود نوشته بود: «در مورد نصب عکس علیاحضرت ملکه در سایر ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی رویه مشخص و ثابتی وجود ندارد و انتخاب نوع عکس و محل نصب آن بسته به نظر اولیاء مؤسسه می باشد.»^{۲۹}

در نروژ نیز سفارت ایران به تحقیقات خواسته شده پاسخ داد و ایرج نقیبه ، کاردار موقت ایران در آن سفارت ، نامه مفصلی را ارسال کرد:

وزارت امور خارجه - اداره وابستگیهای مطبوعاتی

بازگشت به نامه شماره ۲۵/۱۴۶۳۸ مورخ ۵۳/۸/۶ راجع به نصب تمثال اعلی حضرت پادشاه و ملکه دقیقاً مطالعه و بررسی نموده و در این مورد با مراجع مختلف و تشریفات وزارت خارجه تماس گرفته شده است که نتیجه ذیلاً به استحضار می رسد:

۱- در اماکن عمومی به هیچ وجه تمثال اعلی حضرت پادشاه نروژ نصب نمی شود (علیاحضرت ملکه نروژ سالهاست فوت کرده اند) ۲- در مؤسسات غیررسمی و خصوصی به ندرت تمثال اعلی حضرت پادشاه دیده می شود و به طور کلی نصب تمثال در این گونه مؤسسات معمول نیست مگر به طور اتفاقی و بنا به سلیقه شخصی. ۳- در بعضی مؤسسات دولتی بویژه وزارت امور خارجه و سفارت خانه های این کشور در خارج نصب تمثال اعلی حضرت پادشاه معمول است ولی دستور و مقرراتی خاص در این باره وضع نشده و صرفاً به میل و میزان علاقه وزراء و رؤسای ادارات و نمایندگیهای این کشور به شخص اعلی حضرت پادشاه بستگی دارد که چنانچه [علاقه مند] باشند تمثال اعلی حضرت را در اتاق کار خود نصب می کنند و چنانچه میل نداشته باشند آن را برمی دارند. کاردار موقت - ایرج نقیعی [امضا]^{۳*}

۲۴۹

در میان این گزارشها، گزارشی که سفیر ایران در هلند تهیه و ارسال کرده بود، درخور توجه و اندکی متفاوت است. عباس فرزندگان، سفیر ایران در هلند (لاسه) در ۲۰ آبان ۱۳۵۳ در نامه خود به اداره وابستگیهای مطبوعاتی وزارت امور خارجه ایران با اشاره به اصل عزت و احترام عمومی نسبت به ملکه هلند بیان می کند که قاعده و مقرراتی در خصوص نصب عکس ملکه وجود ندارد. او در ادامه نامه اش می نویسد:

... نصب عکس علیاحضرت ملکه ژولیاننا در دوایر دولتی و اماکن عمومی و خصوصی هر چند که سنت نیست ولی بستگی به درخواست و تعصب و علاقه صاحب مقام و کارکنان دولت و مؤسسات خصوصی دارد و چون مشارالیها مورد عزت و احترام عمومی است معمولاً کارمندان دولت و صاحب منصبان دولتی و کارکنان بخش خصوصی به میل و سلیقه خویش عکس علیاحضرت ملکه را خریداری و در دفاتر خویش نصب می نمایند. سفیر شاهنشاه آریامهر - عباس فرزندگان [امضا]^{۳۱}

از اسناد موجود چنین پیداست که هنوز ضوابط و مقرراتی برای نصب عکس خاندان پهلوی در اداره ها و مؤسسات دولتی و خصوصی و عمومی، تنظیم و تدوین نشده بود. بنابراین از نامه رئیس ساواک، که در ۱۶ آبان ۱۳۵۳ خطاب به ریاست دفتر فرح پهلوی نوشته، چنین بر می آید

مختصات مطالعات تاریخی

که در این باره ساواک براساس دستوراتی ملزم بوده نظریات و پیشنهادهایی را تهیه کرده در اختیار دفتر فرح پهلوی قرار دهد. نصیری، رئیس ساواک به همراه نامه خود دو بولتن جداگانه (بولتن شماره ۱ و بولتن شماره ۲) حاوی نظرها، پیشنهادهای و مطالب مهمی درباره ترتیب تهیه و نحوه نصب عکسهای مربوط به خاندان پهلوی را ارسال کرده در بخشی از نامه اش با اشاره به اینکه مفاد بولتن شماره ۲ برای عمل اصلاح است، درخواست کرده بود مراتب مندرج در بولتنها به اطلاع فرح پهلوی برسد. همچنین مستدعی شد «در صورت اقتضاء اجازه فرمایند مراتب در کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت دربار شاهنشاهی، نخست وزیر، وزارت اطلاعات و جهانگردی، شهربانی کشور، ژاندارمری کشور و ساواک بررسی و نتیجه نهایی بررسیها» در اختیار محمدرضا و فرح پهلوی قرار داده شود تا پس از تصویب به اجرا درآید.^{۳۲}

الف) بولتن شماره ۱ (ویژه): این بولتن در ۲۲ مهر ۱۳۵۳ و در پنج برگ تهیه شده است که پس از مقدمه کوتاهی، آمده است:

... به منظور تدارک یک ضابطه معین برای نصب تمثال، مراتب امر از هر جهت بررسی گردیده و موارد زیر در نظر گرفته شده است:

۱- مشخصات ظاهری تمثال: الف- تمثال اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر- علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران و والاحضرت ولایتعهد نیم تنه با لباس رسمی. ب- ابعاد تمثال و محل مورد استفاده برای اتاقهای معمولی ۷۰×۳۰ اتاقهای بزرگ ۱۰۰×۵۰ و در سالنها ۱۰۰×۷۰.

۲- نحوه نصب تمثال و ترتیب استفاده: الف- تمثال اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر در بالای سر رئیس یا متصدی مربوط. ب- ترتیب استفاده از تمثال اعلی حضرت در یک محل، تمثال اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر قسمت بالای محل کار رئیس یا متصدی سمت چپ و تمثال علیاحضرت شهبانو به همان ترتیب سمت راست. پ- نصب تمثال اعلی حضرت و والاحضرت ولایتعهد به ترتیب مذکور در بند الف و ب. تمثال شاهنشاه آریامهر در وسط. علیاحضرت شهبانو سمت راست و والاحضرت ولایتعهد سمت چپ.

۳- اماکنی که نصب تمثال در آنجا مناسب به نظر نمی رسد: الف- کلیه هتلها، متلها و مهمانخانهها به استثنای دفتر و اتاق مدیر. ب- کلیه کافه رستورانها، کبابخانهها و بارها و کلوبهای غیرورزشی پ- پیاله فروشیها و اغذیه فروشیها- گرمابه های عمومی و خصوصی و آرایشگاهها- اماکن فحشا در تهران و شهرستانها- قهوه خانه ها- کافه رستورانهای بین راه- قصابیها، نانواپیها، سمساریها و دکاکین محل ذبح و فروش حیوانات خ- استودیوها و

صحنه های محل تمرین و ضبط آهنگ ، فیلم و تئاتر .

۴- اجرای طرح : الف - برای تعیین نحوه نصب تمثال در وزارت خانه ها و مؤسسات دولتی با توجه به قواره های فوق الذکر ، روش کار از طریق نخست وزیری تدارک و ابلاغ می گردد. ب- جهت نصب تمثال در مؤسسات خصوصی و ملی معتبر برنامه کار به وسیله اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهیه و به مورد اجرا گذارده خواهد شد. پ- اماکن عمومی ، دکاکین و سایر امکان مجاز برای نصب تمثال از طریق اتاق اصناف دستورالعمل لازم را دریافت خواهند داشت .

۵- نحوه اجرای طرح : الف - در مورد ردیفهای الف ، ب ، پ ، ت ، ج ، چ ، خ از بند ۳ اتاق اصناف تحت این پوشش که در نظر است تمثالهای موجود با تمثالهای جدید تعویض شود ، نسبت به اجرای طرح اقدام نمایند. ب- در مورد ردیف ث و ج از بند ۳ شهربانی و ژاندارمری کشور به ترتیب فوق الاشعار عمل می نمایند. پ - اتخاذ تصمیم راجع به ردیف ج از بند ۳ با توجه به روشهای مورد ذکر از ناحیه سندیکای هنرمندان عملی خواهد شد. ت - مسئول نظارت بر اجرای طرح اداره تشریفات وزارت دربار شاهنشاهی خواهد بود که با همکاری نخست وزیری ، شهربانی ، ژاندارمری ، اتاق اصناف و اتاق بازرگانی عمل خواهند کرد.

۲۵۱

ضمناً چون در جریان جشنها ، اعیاد و مراسم مخصوص تعداد زیادی از تمثالهای موجود بین مردم توزیع و در معابر الصاق می گردد ، مقتضی است با توجه به تصمیماتی که در زمینه روشهای مورد اشاره اعمال خواهد شد ، به منظور هماهنگی با قواره های تازه جهت استفاده از تمثال ، از طریق وزارت اطلاعات و جهانگردی به کلیه وزارت خانه ها و چاپخانه ها اعلام شود چاپ ، تکثیر و توزیع تمثالها در مناسبتهای مختلف موکول به تحصیل مجوز قبلی خواهد بود .

ب) بولتن شماره ۲ : که در چهار برگ تهیه شده است : مطالب و بندهای مشروحه در این بولتن از نظر ساواک نسبت به بولتن شماره ۱ (ویژه) اصلاح و قابل اجرا بوده است . این بولتن پنج بند جداگانه را در بر می گیرد که عیناً نقل می شود:

بولتن : [شماره ۲]

درباره : نحوه نصب تمثال اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران و والا حضرت رضا پهلوی ولایتعهد ایران در سازمانها و مؤسسات دولتی و خصوصی و اماکن عمومی .

عکسها و مجسمه ها

شود چون بیم آن می رود که عدم رعایت پاره ای اصول و یا کج سلیقگی به وسیله برخی از مأمورین مسائلی به وجود آورد که مطلوب نظر نباشد.

۴- از نصب تمثال - به صورت پوستری یا به هر شکل دیگر و به هر مناسبت در معابر عمومی و خیابانها که ممکن است مراقبت لازم از آن به عمل نیاید و یا در اثر باران و برف یا وزش باد به صورت نامطلوب درآید اکیداً جلوگیری شود.

۵- نحوه نصب تمثالها به صورت زیر صورت گیرد.

الف - در محلهایی که فقط تمثال مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر نصب می شود، تمثال در بالای سر متصدی مربوط نصب گردد.

ب - در محلهایی که تمثال اعلی حضرتین نصب می گردد تمثال شاهنشاه آریامهر در بالای سر متصدی مربوط سمت چپ و تمثال علیا حضرت شهبانو بهمان ترتیب سمت راست نصب شود.

پ - در محلهایی که تمثال اعلی حضرتین و والا حضرت ولایتعهد نصب می شود به ترتیب فوق تمثال شاهنشاه آریامهر وسط - علیا حضرت شهبانو سمت راست و والا حضرت ولایتعهد سمت چپ قرار گیرد.

۲۵۳

دو ماه بعد رئیس دفتر مخصوص فرح پهلوی در پاسخ به نامه ۱۶ آبان ۱۳۵۳ و پس از مطالعه دو بولتن فوق، از موافقت فرح پهلوی با تشکیل کمیسیون مورد نظر و ابلاغ مصوبات آن از طریق تشریفات دربار به ادارات دولتی خبر داد. همچنین از ریاست ساواک خواست که «به ترتیب مقتضی» به مأمورین خود دستور دهد درباره نصب عکسهای خاندان سلطنت در اماکن خصوصی دست به اقدامی نزده، دخالتی نکنند.^{۳۳} هر چند نصیری چند روز بعد، در ۳ بهمن در پاسخ به تذکر دفتر مخصوص فرح پهلوی نوشت: «ساواک اصولاً در مورد نصب یا عدم نصب تمثال چه در اماکن عمومی و چه اماکن خصوصی هیچ گونه دخالتی تاکنون نیز نداشته است و مسئولیت این امر در شهرها با شهربانی [کل] کشور و در خارج شهرها با ژاندارمری کشور بوده است.»^{۳۴}

با وجود این، گزارشی در میان اسناد موجود است که جهان بین، رئیس ساواک استان زنجان، در ۲۱ خرداد سال بعد خطاب به مدیریت کل اداره سوم (۳۴۱) نوشته و از عدم هماهنگی در نحوه نصب عکسهای خاندان پهلوی سخن گفته است:

به: تیمسار ریاست ساواک (مدیریت کل اداره سوم ۳۴۱) شماره: ۲۵/۱۰۵۳/ه

از: ساواک استان زنجان - خیلی محرمانه - تاریخ: ۵۴/۱/۲۱

درباره تمثال خاندان جلیل سلطنت

اغلب مشاهده شده که تمثال مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر در وسط و تمثال

این بولتن شامل ۴ برگ است

در اجرای اوامر مطاع علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران در مورد نصب تمثالهای مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر - علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران و والاحضرت همایون ولایتعهد در مراکز رسمی و دولتی و مجامع و اماکن عمومی ضمن تماس با مراجع و سازمانهای مسئول و افراد صاحب نظر و بررسی سوابق امر و تحقیق درباره نحوه عمل سایر کشورها بویژه ممالک سلطنتی اروپا این نتیجه حاصل گردید که در صورت تصویب:

۱- در سازمانهای دولتی اعم از کشوری و لشکری همان طور که در حال حاضر نیز انجام می شود تمثالهای مبارک اعلی حضرت و والاحضرت ولایتعهد در سالنها و اتاقهایی که افرادی در آن اشتغال به کار دارند در مناسب ترین نقطه سالن یا اتاق نصب شود و از نصب آنها در محلهای غیررسمی (نظیر آبدارخانه - انبار و امثال آنها) خودداری گردد.

بدیهی است که تمثالهای انتخاب شده از لحاظ نوع و اندازه باید متناسب با محل نصب باشد. به عنوان مثال در مراکز نظامی تمثال مبارک شاهنشاه آریامهر با لباس نظامی و در سازمانهای غیرنظامی با لباس سیویل یا نظامی مورد استفاده قرار گیرد.

۲- در سازمانهای غیردولتی در محلهایی نظیر مراکز احزاب - اتاقهای بازرگانی صنایع و معادن و اصناف - انجمنها - سینماها و سایر سازمانهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که محل عمومی محسوب شده و جنبه نیمه رسمی دارند نیز مانند مراکز دولتی به نصب تمثالها پردازند.

۳- در سایر اماکن عمومی نظیر مغازه ها، موكول به نظر صاحبان اماکن مذکور باشد و از طرف مراجع رسمی و انتظامی هیچ گونه دخالتی در این امر صورت نگیرد.

توضیحاً به عرض می رساند در مورد این گونه اماکن در غالب کشورهای سلطنتی به همین ترتیب رفتار می شود. در کشور ما نیز به نظر می رسد مصلحت باشد مقامات رسمی به هیچ وجه مداخله ای نداشته باشند، چون اکثریت قریب به اتفاق مردم خود به علت علاقه مندی و دلبستگی که نسبت به خانواده جلیل سلطنت دارند مبادرت به نصب تمثالها خواهند نمود کما اینکه در حال حاضر نیز که مقررات اجباری وجود ندارد در اکثر قریب به اتفاق اماکن عمومی بلکه منازل تمثال وجود دارد. در بررسیهای معموله این نتیجه حاصل شده که نصب تمثالها حتی در مراکز نظیر کاباره - مشروب فروشی و قهوه خانه نیز مابینتی با مقام شامخ اعضای خاندان جلیل سلطنت ندارد و جلوگیری از ابراز شاهدوستی و وطن پرستی مردم حتی اگر دارای چنین مشاغلی باشند به مصلحت به نظر نمی رسد و اصلح است در این زمینه از هر گونه مداخله مأمورین دولت چه در جهت نصب و چه در جهت جلوگیری از نصب تمثالهای مبارک خاندان جلیل سلطنت اجتناب

علیاحضرت شهبانو ملکه ایران در راست و تمثال والاحضرت ولیعهد در سمت چپ و بعضاً برعکس به دیوار نصب کرده‌اند و حتی در بخشهای خبری که از تلویزیون نیز پخش می‌گردد این اختلاف به چشم می‌خورد. با توجه به مراتب خواهشمند است دستور فرمایند مصوبات را در این زمینه اعلام نمایند. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان زنجان. جهانین [امضا]

چاپ و انتشار عکسها: چاپ عکسهای خاندان پهلوی، بویژه زنان آن و اینکه چه عکسهایی از آنها، در مطبوعات داخلی و خارجی چاپ و منتشر شود از دیگر موضوعات مهمی است که هم دربار پهلوی و دفتر مخصوص فرح پهلوی و هم دستگاه امنیتی کشور بدان توجه داشتند و سعی می‌کردند با وضع و اجرای ضوابطی، آن را کنترل و محدود به نظر خود گردانند. چاپ عکسهای متعددی از افراد منتسب به دربار در مطبوعات، علاوه بر اینکه اعتراضهای عمومی را برمی‌انگیخت گاهی موجب می‌گشت مأموران ساواک در گزارشهای خود ضمن گوشزد کردن تأثیرات منفی آن در میان مردم، به نوعی خواستار جلوگیری از چاپ این نوع عکسها در روزنامه‌ها شوند:

۲۵۴

موضوع: افکار عمومی	شماره: ۲-۳-۳۳۱۳
محل: تهران	تاریخ حادثه: —
عطف به شماره: —	تاریخ وصول خبر: ۳۸/۸/۱۳
منبع خبر: مأمور ویژه	تاریخ گزارش: ۳۸/۸/۱۳
تقویم: ب- ۲	

انتشار عکسهای مختلف با ژستهای گوناگون دوشیزه فرح دیبا [پهلوی بعدی] نامزد اعلی‌حضرت همایونی در جراید بین مردم عامی حسن اثر نداشته و عموماً از اینکه [از] ملکه یک کشور اسلامی قبل از ازدواج به این صورت در سلمانی و مغازه‌ها آزاد عکس برداری می‌شود ابراز تأسف و تأثر می‌نمایند و بین مقامات مذهبی و روحانی این مطلب بیش از مردم عادی ایجاد ناراحتی نموده و کم‌کم حس بدبینی در آنها ایجاد می‌شود. انتشار عکسهای گوناگون در خیابانهای پاریس از دوشیزه فرح دیبا موجب شده است که یکبار دیگر افکار عمومی نسبت به ملکه سابق ثریا پهلوی اظهار محبت نموده و نجابت و زیبایی او را تأیید و از اینکه جای چنین ملکه‌ای در دربار ایران خالی است اظهار تأسف نمایند.

تأکید بر مصالح حکومت پهلوی و اعتراضات عمومی موجب گردید در اول خرداد سال بعد (۱۳۳۹ ش) فضل‌الله نبیل، پیشکار فرح پهلوی (بعد از انتصاب او به عنوان ملکه ایران) در نامه محرمانه‌ای خطاب به سپهبد تیمور بختیار، معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان امنیت و

اطلاعات کشور (ساواک) اظهار دارد:

حسب الامر مبارک بندگان علیاحضرت ملکه فرح پهلوی مراتب زیر را به اطلاع جنابعالی می‌رساند. فرمودند: ۱- از تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۳۸ به بعد در بعضی از جراید و مجلات مصور خارجی و یا داخلی مطالبی راجع به علیاحضرت معظم لها نوشته شده است. خواهشمند است مقرر فرمائید صورت کلیه این قبیل روزنامه‌ها و مجلات را با ذکر نام نویسنده و نام مجله و تاریخ و شماره آن برای اینجانب ارسال دارند و در صورتی که ممکن باشد یک نسخه از آنها را ضمیمه نمایند که به عرض مبارک برسد. ۲- تمنا دارم لطفاً مقرر فرمایید در آتیه نیز از مجلات و روزنامه‌های مصور و غیر مصور خارجی و داخلی که در آنها راجع به بندگان علیاحضرت مطلبی نوشته شده یک نسخه به دفتر مخصوص علیاحضرت فرح پهلوی ملکه ایران ارسال دارند.^{۳۵}

این روند مدتی ادامه یافت تا اینکه در اواخر ۱۳۵۰ ش کارت پستالی از محمدرضا پهلوی چاپ و توزیع گردید. این کارت پستال را رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران در ۲۶ بهمن ۱۳۵۰، به محمدرضا پهلوی نشان داد. شاه با دیدن چنین کارتی عصبانی شد و دستور داد «از کی و [به] چه مقامی اجازه داده شده که این گونه تمثالها را به صورت کارت پستال درآورند فوراً آنها را جمع‌آوری کنید».^{۳۶} این دستور از سوی رئیس اداره سوم اطلاعات و ضداطلاعات، سپهبد پالیزبان به اطلاع رئیس ساواک رسید و خواستار اجرای دستور شاه شد که رئیس ساواک در پاسخ به آن نوشت: «در اجرای اوامر مبارک شاهانه ساواک فوراً اقدام می‌نماید. ضمن اینکه جمع‌آوری مطبوعات و عکس و نظایر آن از وظایف شهربانی کل کشور می‌باشد، اجازه چاپ تمثال مبارک همایونی و خاندان جلیل سلطنت نیز مربوط به ساواک نبوده و در این مورد وزارت خانه‌های اطلاعات و فرهنگ و هنر مسئولیت دارند. امضا از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ارتشبد نصیری»^{۳۷}

چگونگی و تعدد روشهای چاپ عکسهای مربوط به دربار پهلوی از جمله موضوعات مهمی است که بخشی از هزینه و وقت اداره‌های ذی‌ربط را صرف خود می‌کرد؛ در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۱ نامه محرمانه‌ای از سوی وزارت اطلاعات (اطلاعات و جهانگردی) در پاسخ به نامه پیشین سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) ارسال شد که حکایت از اهمیت موضوع دارد؛ به طوری که فرم مخصوصی نیز برای کنترل بیشتر چاپ و انتشار عکس آماده شد و مسئولان چاپخانه‌ها را ملزم به تکمیل و رعایت مقررات مندرج در آن می‌کرد:

اداره: کل مطبوعات

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

شماره: ۷۵۶۲/۳/۴۲۲/م

موضوع: تمثالهای خاندان جلیل کشور

تاریخ: ۵۱/۲/۱۸

پیوست: دارد

بازگشت بنامه شماره ۳۲۵/۴۹۷ مورخ ۵۱/۲/۱۰ در مورد چاپ تمثالهای خاندان جلیل سلطنت مراقبت لازم به عمل آمده است و کماکان نیز ادامه خواهد یافت و همچنین طی بخشنامه شماره ۳۷۷۴۶/۳/۱۱۰۳۰ مورخ ۵۰/۱۰/۱۵ به کلیه چاپخانه‌ها دستور داده شده است که قبل از چاپ از وزارت اطلاعات کسب تکلیف نمایند و در این زمینه فرمی نیز تهیه گردیده است که یک برگ آن جهت اطلاع به ضمیمه ارسال می‌شود. امضا وزیر اطلاعات و فرم مخصوصی که برای چاپخانه‌ها تهیه شده بود:

برگ درخواست چاپ تمثال اعلی حضرتین

تمثال _____ به تعداد _____ در قطع _____ سیاه و سفید

به مناسبت _____ به سفارش اینجانب _____ در چاپخانه _____ به چاپ می‌رسد. تصمیم گرفته شده است که _____ رایگان _____ ریال در _____ استان _____ شهرستان _____ به مردم اهداء گردد. بدین وسیله تعهد می‌نماید که در صورت فروش آن بهای هدیه و سایر توضیحات در قسمت زیرین تمثال که با ماشین پرفراژ مشخص خواهد شد قید و چاپ شود.

۲۵۶

محل امضاء و تاریخ تنظیم کننده

افزون بر این در میان اسناد، سه برگ با عنوان «دستورالعمل چاپ تصاویر مطبوعاتی اعلی حضرتین و والا حضرت ولایتعهد» موجود است که در دو بند الف و ب و مجموعاً با ۱۵ ماده، مقررات و ضوابط چاپ تصاویر آنان را در مطبوعات تبیین می‌نماید. این دستورالعمل در فرمهای ویژه «اداره کل اطلاعات و مطبوعات دربار شاهنشاهی» درج شده و فاقد تاریخ مشخصی است. با وجود این به نظر می‌رسد هم‌زمان و یا اندکی بعد از تهیه فرم یادشده، تدوین و احتمالاً به مراکز ذی ربط ابلاغ شده است. دستورالعمل مزبور به شرح زیر است:

دستورالعمل چاپ تصاویر مطبوعاتی اعلی حضرتین و والا حضرت ولایتعهد

برای ایجاد نظامی در کار چاپ تصاویر اعلی حضرتین و والا حضرت ولایتعهد در مطبوعات ایران و ضوابطی هنگام عکس برداری و فیلم برداری موارد ذیل یادآور می‌شود.

الف - چاپ عکسها

در موارد ذیل چاپ تصاویر مطبوعاتی از اعلی حضرتین و والا حضرت ولایتعهد مطلوب نیست.

۱- تصاویری که شهبانو را در حال بوسیدن نشان دهد البته مواردی نظیر بوسیدن اطفال یا زنان مسن آن هم با اجازه قبلی مستثنی است.

۲- تصاویری که شهبانو را در لباس خاص مراسم شب نشینی (دکولته) نشان می‌دهد.

عکسها و مجسمه ها

۳- تصاویر اعلیٰ حضرتین در حال کشیدن سیگار و یا نوشیدن مشروب به طور کلی گیلان به دست .

۴- تصاویری که اعلیٰ حضرتین را مثلاً هنگام وزیدن باد یا آمدن باران و برف در لباسهای نامرتب نشان دهد.

۵- تصاویری که مقامات انتظامی و امنیتی و مأموران محافظ را نشان دهد.

۶- تصاویری که مقامات نظامی در آن با لباس و اسلحه دیده می شوند که مربوط به مراسم خاص نظامی نباشد.

۷- تصاویری که در آن عکاسان هنگام عکس برداری و یا فیلم برداری در حال کار دیده شوند.

۸- تصاویری از اعلیٰ حضرت همایونی شاهنشاه آریامهر که در لباس نیروهای مسلح شاهنشاهی هستند و با افرادی دست می دهند. چون سلام و احترامات نظامی آداب مخصوص به خود دارد باید توجه شود که عکسها صحیح [به] چاپ برسند.

۹- مطبوعات باید از انتشار عکسهایی از اعلیٰ حضرتین که به نحوی از انحاء جنبه تبلیغات تجاری و بازرگانی داشته باشد و یا بتواند در آینده مورد سوءاستفاده بعضی از افرادی که در عکس در التزام هستند قرار گیرد خودداری نمایند.

۱۰- عکسهای خبری بنا بر طبیعت خبری آن از روز اجرای مراسم حداکثر تا دو هفته قابل انتشار است مگر در مواردی که از نظر وزارت دربار شاهنشاهی و وزارت اطلاعات انتشار آنها برای مدت نامحدودی مجاز اعلام شده باشد.

ب- مقررات عکس برداری

۱- حداقل فاصله عکاسها برای عکس برداری از اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شهبانو و الاحضرت ولایتعهد حدود ۵ متر باید باشد و در این فاصله و پیشاپیش اعلیٰ حضرتین نباید فرد یا افرادی در عکس دیده شوند مگر در موارد خاص تشریفات دربار شاهنشاهی .

۲- کلیه خبرنگاران عکاس باید در یک سمت قرار گیرند و به هیچ وجه مقابل یکدیگر نباشند .

۳- کلیه عکاسان موظف اند که کمی عقب تر از فیلم برداران قرار گیرند و به هیچ وجه در جلوی دوربین فیلم برداران قرار نگیرند و یا حرکت ننمایند.

۴- خبرنگاران رادیو تلویزیون و خبرنگاران مطبوعات باید از میکروفونهای استفاده کنند که از فاصله دور بتواند صدای اعلیٰ حضرتین را بگیرد و ضبط کند و نیاز به نزدیک شدن خبرنگار نباشد.

۵- خبرنگاران و عکاسان نباید در فاصله کمی در پشت اعلیٰ حضرتین قرار گیرند که همواره یک

نوع آدم در پشت عکسها مشاهده شود.

آنچه در این میان حائز اهمیت و در خور تأمل است، الزام نمودن مطبوعات مبنی بر کسب تأییدیه اداره کل اطلاعات و مطبوعات قبل از چاپ و توزیع هرگونه عکس مربوط به خاندان پهلوی است که به نوعی از اعمال قدرت انتشاراتی و یا همان سانسور حکایت دارد. این الزام در نامه وزیر دربار، اسدالله علم که در اردیبهشت ۱۳۵۲ به حمید رهنما وزیر اطلاعات مشهود است. وی در نامه خود با استناد به دستور محمدرضا پهلوی نوشته است که «از این پس کلیه عکسهای مربوط به شرفیابی شخصیتهای داخلی و خارجی به پیشگاه مبارک ملوکانه، و به طور کلی هرگونه عکسی که متضمن تمثال شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانوی ایران و والاحضرت همایون ولایتعهد باشد باید با تأیید اداره کل اطلاعات و مطبوعات دربار شاهنشاهی مورد استفاده قرار گرفته و در اختیار وسایل ارتباط جمعی گذارده شود.»^{۳۸} چنین الزامی چند سال بعد، در ۱۳۵۵ ش از سوی دفتر مخصوص فرح پهلوی، بار دیگر مورد تأکید قرار گرفت و ریاست آن دفتر، در نامه‌ای به کریم پاشا بهادری وزیر اطلاعات و جهانگردی یادآور شده است: «حسب الامر علیاحضرت شهبانوی ایران مأمور گردید [ناخوانا] کلیه مطالب و تمثالهایی که از معظم لها در مطبوعات به هر نحوی منتشر می‌گردد مورد تأیید روابط عمومی دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو قرار گرفته باشد. خواهشمند است دستور فرمایید مراتب جهت انجام نحوه کار به کلیه وسایل ارتباط جمعی و قسمتهای مورد نظر اطلاع داده شود.»^{۳۹}

۲۵۸

به رغم این تلاشها و الزامهایی که در جهت زیرسلطه گرفتن رسانه‌ها و مطبوعات انجام می‌گرفت گاهی نشریه‌ای عکسهایی را از خاندان پهلوی به صورت مخدوش چاپ می‌کرد که توجه و لزوم اقدامات تحقیقاتی را در عوامل حکومتی و امنیتی بر می‌انگیخت. از جمله در نشریه جام جهانی ۱۹۷۹ م منتشر شده از سوی فدراسیون فوتبال ایران، عکسی از فرح پهلوی توسط «شرکت تبلیغاتی بی تا به چاپخانه نگاری در شهرستان اهواز سفارش داده شده بود» که عکس مزبور به صورت مخدوش گراور شده بود و ساواک خواستار تحقیقات لازم و علت‌یابی آن شد.^{۴۰}

فروش عکس: چاپ، تهیه و فروش عکسهای گوناگونی از خاندان پهلوی بویژه از محمدرضا شاه پهلوی، از جمله منابع درآمدی برخی از شرکتهای تبلیغاتی و گاه تعدادی از افراد جامعه بوده است که بر طبق اسناد و گزارشها، در این راه به سودهای چشمگیری نیز دست می‌یافتند. از جمله افرادی که قصد فروش عکس محمدرضا شاه پهلوی را داشت، یکی از افسران بازنشسته ارتش به نام حکیمی بود که در ۱۸ دی ۱۳۴۸ با مراجعه به حزب ایران نوین،

خواستار فروش یک هزار قطعه تابلو از تصاویر محمدرضا پهلوی شد.^{۴۱} گزارشهایی متعدد مبنی بر تهیه و فروش عکسهای سلطنتی در دوران حکومت محمدرضا پهلوی موجود است از آن جمله یک شرکت حقوقی به نام «معاون»، بیشترین گزارشها را در این باره به خود اختصاص داده است که نشان از گستردگی فعالیت آن شرکت در تهیه، چاپ و توزیع و فروش عکسهای مزبور دارد.

شرکت معاون: در اوایل ۱۳۵۰ ش، رضا معاون، مدیرعامل شرکت حقوقی معاون که در تهران فعالیت داشت، یک هزار قطعه تابلو از عکسهای محمدرضا و فرح پهلوی را تهیه کرد تا به هنگام برپایی جشنهای دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در میدین و سردر اداره ها و بانکها و سازمانهای دولتی نصب شود. این تابلوها دارای مشخصات زیر بود:

۱- ابعاد (طول ۴/۴۰ و عرض ۳/۲۰ متر)

۲- چاپ رنگی

۳- با لباس تاجگذاری مربوط به آبان ۱۳۴۶

۴- در دو نوع با قاب پروفیلی و قاب چوبی استیل

۵- کاغذهای قابل شستشو و مقاوم در مقابل نور آفتاب

۶- قیمت هر قطعه ۲۰۰۰۰ ریال (بیست هزار ریال) که مخارج حمل به عهده شرکت می باشد که در محل تحویل دارد)

۷- به آسانی قابل حمل و نصب^{۴۲}

تابلوها که به «سبک ساده و زیبایی» تهیه شده بود مورد توجه اسدالله علم وزیر دربار و اویسی رئیس کمیته استانها و شهرستانهای جشن شاهنشاهی قرار گرفت. بنابراین کمیته مزبور از کلیه استانداران و فرمانداریهای کل کشور خواسته بود که طبق سهمیه ای که شرکت معاون برای هر استان و یا فرمانداری در نظر گرفته، «ضمن مذاکره با نماینده شرکت یادشده، که مستقیماً جهت ارائه و تحویل تابلوها در محل حضور خواهد یافت، تعداد مورد نیاز خود را تعیین و وجه آن را به حساب شرکت مزبور در بانک ملی شعبه مرکزی واریز نمایند. و چون تعداد تابلوهای تهیه شده محدود می باشد در صورت نیاز بیشتر مراتب را مستقیماً به شرکت نامبرده اعلام تا در صورت امکان تعداد اضافی را آماده و تحویل نمایند.»^{۴۳}

از جمله گزارشهایی که درباره چگونگی مراجعه نمایندگان شرکت معاون برای فروش تابلوهای یادشده تهیه و به ساواک ارسال شده گزارشی است که در سوم آذر ۱۳۵۰، ساواک تهران دریافت کرده است.

مطالعات تاریخی

چند روز است شخصی بنام علینقی رحیمیان با نامه‌ای که از شرکت معاون به عنوان فرماندارها در دست دارد تمثال اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر را که به مناسبت جشنهای ۲۵۰۰ ساله بنیانگذاری شاهنشاهی ایران تهیه گردیده به ادارات مختلف و مردم و دبستانها ارائه و هر تمثال را به مبلغ ۱۵۰۰ ریال به فروش می‌رساند. نظریه شبیه - نظریه یکشنبه - نظری نیست. نیکفر نظریه سه شبیه - احتمال دارد این افراد با تهیه این گونه عکسها مبادرت به سوءاستفاده نمایند. شاهنده. نظریه ۱۷ هـ - در مرخصی است.

فروش تابلوها به ادارات و سازمانهای دولتی، چیزی عاید شرکت معاون نکرد چرا که چندی پس از برپایی جشن در ۲۵ بهمن همان سال اویسی، رئیس کمیته استانها و شهرستانهای جشن شاهنشاهی، در نامه‌ای به وزیر کشاورزی و دیگر وزرا نوشت «نظر به اینکه به موجب اعلام شرکت یادشده [معاون] و جوه تابلوهای تمثال مبارک اعلی حضرتین را که بعضی از ادارات تابعه آن وزارت خانه در شهرستانها دریافت نموده و مورد استفاده قرار داده‌اند، تاکنون به حساب شرکت مزبور واریز نشده، در نتیجه موجبات زیان مالی شرکت را فراهم نموده است...»^{۴۴}

از نامه اویسی به وزیر کشاورزی (منصور روحانی) چنین بر می‌آید که شرکت معاون برای تمام سازمانها و اداره‌های تابعه آن وزارت خانه پنج قطعه تابلو در نظر گرفته بود که در مراسم جشن نیز مورد استفاده قرار گرفت. اما پس از فروش تابلو، ظاهراً برخی از سازمانها قصد بازگرداندن تابلوها را داشتند که اویسی در نامه خود یادآور شده بود «با توجه به اینکه این تابلوها در کلیه اعیاد و جشنهای ملی کشور زینت بخش ادارات خواهد بود و اعاده تمثالهای مبارک اعلی حضرتین پس از دریافت و استفاده مناسب نمی‌باشد و حداکثر بیش از پنج قطعه به کلیه سازمانهای آن وزارت خانه در شهرستانها از تابلوهای مزبور اختصاص داده نشده تقاضا دارد که اوامر لازم در مورد حواله بهاء تابلوهای دریافتی صادر شود.»^{۴۵}

چندی بعد اویسی در فروردین ۱۳۵۱ در نامه‌ای به محمد سام، وزیر کشور، از او خواست که «به استانداران و فرمانداران توصیه و تذکر فرمایند که چنانچه هر یک از دوائر تابعه آنها جای مناسبی برای استفاده از تمثالهای مذکور را دارند با توجه به اینکه این تمثالها می‌توانند در کلیه جشنهای ملی کشور مورد استفاده قرار گیرد تعداد مورد لزوم را اعلام دارند تا وسیله شرکت مزبور نسبت به ارسال آنها اقدام شود.»^{۴۶} محمد سام نیز در ۵ خرداد همان سال به اکثر اداره‌ها از جمله کانون بانکها، با اشاره به اینکه «شرکت معاون از طریق کمیته استانها و شهرستانهای جشن شاهنشاهی ایران تابلوهای جالبی از تمثال مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر به ابعاد ۹۵×۱۳۵ چاپ ایتالیا رنگی تهیه نموده که معادل هزینه صرف شده در تهیه آنها (هر قطعه با قاب چوبی ساده ۱۵۰۰

ریال و با قاب چوبی استیل دو هزار ریال) به دوائر دولتی و بانکها اهدا گردد. لذا توصیه می نماید در صورت تمایل مقرر فرمایند جهت استفاده در جشنهای ملی کشور و زینت بخش نمودن بانکها شعب بانکهای تابعه از تابلوهای مذکور دریافت و استفاده فرمایند.

از طرف محمد سام وزیر کشور [امضا]»^{۴۷}

از سویی تعدادی از تابلوهای شرکت معاون که به شهرستان ابهر ارسال شده بود بلااستفاده مانده بود. در گزارش ارسالی به ساواک در اوایل خرداد ۱۳۵۱ آمده است: «در جریان برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی تعداد ۱۷ فقره تمثالهای بزرگ شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح شهبانو به قطع تقریبی $۶ \times ۴/۵$ متر از طرف شرکت معاون و به راهنمایی و مشاورت فرمانداری ابهر به ادارات شهرستان ابهر توزیع گردیده که در همان وقت مراتب عدم امکان نگهداری و استفاده متناسب از تمثالهای مذکور به علت عدم وجود محل مناسب در ساختمانهای فعلی ادارات برای نگهداری و اتاق آنها به فرمانداری اعلام گردیده است. در طول این مدت متأسفانه تمثالهای بعضی ادارات در کنار خیابانها و بعضی در انبار و راهرو و یا محلهای در بسته به طور نامناسب و نامطلوب نگهداری گردیده است. با توجه به ارتفاع شش متری تمثالها اصولاً در اتاقها یا سالنهایی که کمتر از ۶ متر ارتفاع داشته باشد جای نمی گیرد.»^{۴۸}

۲۶۱

عدم امکان استفاده از این تابلوها از یک سو و پی گیری مداوم فرمانداری ابهر برای پرداخت وجوه تابلوها به شرکت معاون از سوی دیگر موجب نارضایتی سازمانها و اداره های ابهر شد و ساواک در گزارش خود نوشت: «... چنانچه برای ادارات محل مناسبی جهت نگهداری تمثالها وجود ندارد مراتب را به شرکت معاون اعلام تا در مورد مسترد نمودن تمثالها اقدام نمایند.»^{۴۹}

شرکت معاون علاوه بر تابلوهای پیشین، دو نوع تابلوی دیگر از عکسهای خاندان پهلوی را تهیه کرده بود که نوع اول آنها عکس محمدرضا و فرح پهلوی در ابعاد ۳۲۰×۴۰۰ سانتی متر به تعداد ۶۰۰ قطعه (۱۰۰۰ قطعه بوده که ۴۰۰ قطعه از آنها در جریان حمل و انتقال از بین رفته بود) و نوع دوم عکس محمدرضا پهلوی در ابعاد ۱۳۵×۹۵ سانتی متر به تعداد ۱۰۰۰۰ قطعه بود.^{۵۰}

رضا معاون در نامه ای به امیرعباس هویدا، نخست وزیر وقت، با اشاره به اقدام شرکت تحت مدیریتش در تهیه تابلوهای یادشده نوشت که این تابلوها مورد توجه اسدالله علم وزیر دربار، اویسی رئیس کمیته استانها و شهرستانهای جشن شاهنشاهی و محمد سام وزیر کشور قرار گرفته است. بنابراین اذعان کرد که «سازمانهای دولتی در بودجه مربوطه اعتباری جهت این منظور پیش بینی نکرده اند از دریافت و استفاده آنها خودداری و حتی سازمانهایی که تابلوها را دریافت نموده اند به جهت نداشتن اعتبار از پرداخت بهای آنها امتناع می نمایند. نتیجتاً این شرکت با صرف

هزینه گزاف و زحمات شبانه روزی و صمیمانه قریب یکصد نفر کارگر و کارمند و مهندسی که صرفاً به انگیزه عشق بی پایان به شاهنشاه بزرگ و عالی قدر صورت گرفته در حال تزلزل و ضیق مالی فوق العاده قرار گرفته است.^{۵۱}

معاون سپس با اشاره به بلااستفاده ماندن تابلوهای مزبور در انبار سازمانها و ادارات، پیشنهاد کرده است که این تابلوها به جای عکسها و تابلوهای قدیمی برای مدارس و دیگر اماکن دولتی خریداری و اهدا شود. وی در پایان درخواست می کند:

... در صورت اقتضاء رأی عالی اجازه فرمایند در ازاء هدیه آنها [تابلوها] که معادل هزینه صرف شده می باشد معافیت گمرکی نسبت به کالای وارداتی این شرکت اعطاء گردد تا موجبات خسران و زیان بیش از حد کارکنان این شرکت فراهم نشود.^{۵۲}

معاون در رونوشتی از نامه خود به ریاست ساواک، نعمت الله نصیری، موضوع صرف هزینه در مورد تهیه تابلوها - که در ایران غیرممکن بود - و مسئله جلوگیری از ورشکستگی و پاسخ گویی شرکت به طلبکاران را مطرح ساخته، درخواست خود را تکرار می کند. به نظر می رسد پیرو همین اقدام او بوده است که استانداری اصفهان از اداره های کل، فرمانداریها و شهرداریهای آن استان خواسته است تابلوها را از نمایندگان شرکت معاون به نامهای سرهنگ حبیب الله همت آبادی و سرگرد عباس سردشتی، دریافت و معادل هزینه صرف شده را (هر قطعه تابلو بیست هزار ریال) در وجه شرکت معاون - تهران حواله نمایند.^{۵۳}

این شرکت پانصد قطعه تابلو از تصاویر مربوط به خاندان پهلوی را به بندرعباس ارسال کرد که حدود پنجاه عدد از آنها را هر یک به مبلغ ۱۵۰۰ ریال با فشار و تهدید به اهلای آنجا فروخت و مابقی را در یک تعمیرگاه اتومبیل به نام اتوسرویس امید به امانت گذاشت، تا پس از چند روز آنها را به تهران انتقال دهد. اما پس از چندی به بهانه اینکه تابلوها در اثر بارندگی آسیب دیده اند، تقاضای غرامت کرد و اظهار نمود که مسئولان اتوسرویس را به دادرسی ارتش تحویل خواهد داد. مأمور ساواک در گزارش خود آورده است که رضا معاون «خود را وابسته به مقامات بالا معرفی می نماید [و] با تهدید و فشار به اهلای مشغول فروش تمثالها به قیمت هر عدد ۱۵۰۰ ریال در بندرعباس می باشد و چون در حال حاضر این امر نارضایی شدیدی بین خریداران ایجاد نموده و اغلب نیز جهت روشن شدن موضوع به ساواک مزبور مراجعه می نمایند تقاضا دارد اوامر مقتضی از طرف ستاد ابلاغ گردد.»^{۵۴} در ادامه، ساواک با توجه به اینکه کارهای معاون در میان مردم تولید نارضایتی و بدبینی می کند، از ادامه فعالیت او در بندرعباس جلوگیری کرد.

با این حال و بر اساس اسناد موجود شرکت مزبور در تهیه و فروش تابلوهای یادشده، انگیزه سودجویانه داشت و در این راه به سودهای هنگفتی هم دست یافته بود. از جمله در ۸ دی

۱۳۵۱ گزارشی به ساواک رسیده که نشان می دهد شرکت معاون با اعمال فشار به دنبال کسب درآمد مالی بوده است :

موضوع: فروش تمثال خاندان جلیل سلطنتی

از طرف شرکت معاون شخصی به دبیرستان شاهرضا مراجعه و یک عدد تمثال مبارک اعلی حضرت را جهت فروش ارائه نموده که رئیس دبیرستان به علت گرانی تابلو (۲۰۰ تومان) و بی سلیقهگی در تهیه آن با اکراه زیاد مبادرت به خرید آن نموده است .

نظریه: ارائه تابلو توسط شرکت معاون با توجه به بخشنامه ای است که از طرف وزارت آموزش و پرورش به مدارس صادر گردیده و آن را ملزم به خریدن این تابلو (تمثال) با قیمت ۲۰۰ تومان نموده و گر نه به هیچ وجه دبیرستانها (مدارس) راضی به این امر نیستند. زیرا که هم قیمتش گران است و هم با سلیقه تهیه نشده و هم تمثال در دبیرستانها موجود است و بیشتر از روی اجبار و احياناً ترس مبادرت به خرید تمثال می نمایند و شرکت مزبور نیز از این موضوع نهایت سوءاستفاده را می نماید و مکرر به این عمل مبادرت می نماید و تاکنون مبلغ قابل توجهی از این طریق سود برده است .

۲۶۳

همچنین در گزارش دیگری از استان کردستان آمده است که در اواسط بهار ۱۳۵۳ ش تعدادی تابلو از عکسهای محمدرضا، فرح و رضا (فرزند محمدرضا) پهلوی به همراه نامه وزارت کشور (شماره ۳۷۵۰۵/۳۵۶۱ - ۵۳/۲/۲۰) و تصویری از نامه رضا معاون به استانداری کردستان (در سندج) حمل شده تا در بین ادارات دولتی آن استان توزیع گردد. اما چون برخی از تابلوها نواقصی داشت و همه ادارات بودجه لازم برای خرید آنها را نداشتند، بعضی از ادارات از قبول آنها خودداری کرده اند. با وجود این تعدادی تابلو با ابعاد ۱۸۰ × ۲۲۰ سانتی متر با قاب چوب استیل در سندج (هر قطعه تابلو بیست هزار ریال) به فروش رسید. در عین حال ساواک کردستان نحوه عمل شرکت معاون در فروش تابلوها را نوعی تحمیل تلقی نموده که جنبه سودجویی داشته است. بنابراین پیشنهاد کرده که وزارت خانه ها، هر کدام به مقدار لازم تعدادی از این تابلوها را خریداری و به ادارات تابعه در شهرستانها ارسال کنند.^{۵۵}

ساواک در ادامه گزارش از فعالیتهای شرکت معاون در زمینه تهیه و فروش عکسهایی از خاندان پهلوی نوشته است: «با عرض مراتب بالا به استحضار می رساند که فروشنده تمثالهای یادشده با توصیه نامه از فرمانده ژاندارمری کل کشور و سوءاستفاده از آن در شهرستانها مرتکب اخاذی گردیده و این عمل باعث بدبینی و نارضایتی اهالی شهرهای مرجوعه شده است.» سپس پیشنهاد کرده که در صورت تصویب موضوع فوق در جلسه شورای هماهنگی ساواک مطرح شود. رئیس ساواک نیز ضمن موافقت با آن پاسخ داده است: «۱- مطرح شود ۲- وزارت اطلاعات

[و جهانگردی] باید به چاپخانه‌ها اطلاع نماید که تمثالهای شاهنشاه آریامهر و خاندان سلطنتی را بدون اجازه وزارت اطلاعات حق چاپ ندارند. ۳- به کلیه استانها ابلاغ شود که هیچ کس حق ندارد با تهدید و زور تمثال مبارک همایونی را به مقامات دولتی و مؤسسات تحمیل نماید. تمثالهای مناسب باید در دسترس مردم گذاشته [شود] و هر کس میل دارد خریداری نماید.^{۵۶}

ساواک نسبت به فروش عکسهای خاندان سلطنت توسط افراد حقیقی نیز حساس بود؛ از جمله: در ۲ خرداد ۱۳۵۱ شخصی به نام محمدحسین مروانی در میدان جعفر آغاچاری عکسهایی از محمدرضا پهلوی را به فروش می‌رساند که به دلیل نامناسب بودن عکسها، شهربانی از ادامه کار او جلوگیری، و وی را به ساواک اعزام کرد. ساواک نیز پس از اخذ تعهد از وی مبنی بر خودداری از فروش عکس، او را آزاد کرد.^{۵۷} در اوایل ۱۳۵۳ ش عده‌ای در اصفهان ضمن مراجعه به مؤسسات دولتی و ملی و کارخانه‌ها عکسهایی از خاندان پهلوی را به مبلغ ۲۰ هزار ریال به اجبار به فروش می‌رساندند.^{۵۸} در روزهای پایانی ۱۳۵۳ دویست قطعه عکس از محمدرضا پهلوی در جامه احرام حین انجام مناسک حج تهیه و در میان کارکنان ارشد سازمان ورزشی و فرهنگی تاج توزیع گردید.^{۵۹} مأموران پاسگاه ژاندارمری قاسم‌آباد شاهی در اوایل مرداد ۱۳۵۴ به کوره‌های آجرپزی (فشاری) واقع در منطقه شمس‌آباد مراجعه و تعدادی عکس از محمدرضا پهلوی را، هر کدام به مبلغ ۵۰۰ ریال به زور به استادکاران آن فروختند.^{۶۰} آژانس ترابیان در نامه‌ای از استانداری مازندران خواست تا عکسهایی از محمدرضا پهلوی را به بهای ۲۰ هزار ریال از آن آژانس خریداری نماید، که استانداری مازندران از ساواک تقاضای جلوگیری اخذی آژانس مزبور را کرد.^{۶۱} عده‌ای نیز با در دست داشتن کارت پستال و عکسهایی از خاندان پهلوی به مردم مراجعه و اقدام به اخذی می‌کردند.^{۶۲}

علاوه بر موارد یادشده گاهی نیز مجسمه‌ای از محمدرضا پهلوی به فروش می‌رسید که گزارش ۱۳ خرداد ۱۳۵۱ در این باره است: «در تاریخ ۵/۳/۸ تعدادی مجسمه اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر را در پاسگاه ژاندارمری سمیرم از قرار هر عدد ۴۰۰ ریال به فروش می‌رسانیدند. در زمینه فروش این مجسمه‌ها مأمورین ژاندارمری به منازل افراد و اهالی رفته و آنان را به ژاندارمری دعوت و سپس در قبال دریافت ۴۰۰ ریال یک مجسمه از اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر [را] به وی می‌دادند.» ساواک در ادامه گزارش اشاره نموده که «این امر تأثیر سوئی بین اهالی گذارده» و ژاندارمری سمیرم نیز برخلاف دستورات قبلی، که می‌بایست از فروش عکس یا مجسمه توسط هر شخصی جلوگیری می‌نمود، در این مورد تسهیلات لازم را در اختیار فروشندگان مجسمه‌ها قرار داده است.^{۶۳}

در گزارشی که به تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۵۲ از تبریز ارسال شده آمده است «شخصی بنام تقی

فروشان مقیم شهرستان تبریز که با کشور بلغارستان رابطه بازرگانی دارد اخیراً جهت تهیه یکنوع لامپ روشنایی مزین به تمثال اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر در داخل لامپ قراردادی با کشور مذکور منعقد نموده است. نامبرده یک عدد از لامپها را به عنوان نمونه جهت اظهار نظر ساواک ارائه و پیشنهاد کرده در جریان برگزاری جشنهای مخصوص از لامپهای موصوف استفاده تزییناتی به عمل آید. چون تمثال همایونی در داخل حباب لامپ هنگام استفاده به طریق معمول به ترتیب وارونه قرار خواهد گرفت و نظر به اینکه امکان استفاده از لامپ مزبور در محلهای نامناسب متصور بوده و مضافاً مسئله معدوم ساختن لامپها در صورت استهلاک مشکلاتی را موجب خواهد گردید، علی هذا با طرح موضوع در کمیسیون مسائل روز مورخ ۵۲/۸/۲۳ متشکله در وزارت اطلاعات تصمیم گرفته شد نظر به ملاحظات مذکور به سفارش دهنده مربوطه توصیه شود از تهیه و ورود لامپهای مورد نظر انصراف حاصل نماید.^{۶۴}

صعود و سقوط

در دوران حکومت پهلوی همه ساله به مناسبتهای مختلفی، مراسم ویژه ای در برابر پیکره ها و مجسمه های رضاشاه یا محمدرضا شاه پهلوی برگزار می گردید. از جمله آنها می توان به مراسم جشن ۲۴ اسفند روز تولد رضا پهلوی؛ سوم اسفند، کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و آغاز سلطنت پهلوی؛ روز ۴ مرداد بزرگداشت مرگ رضاپهلوی اشاره کرد. برای برگزاری تعدادی از این مراسم دستورالعملهای خاصی صادر می شد.^{۶۵} در برخی از شهرها هم که مجسمه یا پیکره ای وجود نداشت شرکت کنندگان در اطراف تابلو بزرگی از رضا یا محمدرضا پهلوی گردهم آمده، مراسمی را برپا می ساختند.^{۶۶} گاهی نیز هنگام برگزاری مراسم متوجه می شدند که پیکره شاه در طول سال نظافت نشده، وضع آن نامناسب است. این امر مسئولان ذی ربط، بویژه مأموران ساواک را ناراحت می ساخت و موجب بازخواست شهرداری محل می گردید.^{۶۷} برپایی چنین مراسمی، که هر ساله به بهانه های مختلفی هزینه های چشمگیری را از بودجه عمومی کشور به خود اختصاص می داد پس از عمری، نه چندان طولانی، به پایان آمد و پیکره ها و مجسمه ها، به هنگام اوج انقلاب اسلامی توسط مردم از بالای ستونها به زیر کشانده شد و بازیچه دست فرزندان انقلاب شد. گزارشهایی از روزهای پایانی رژیم شاه در این باره خواندنی است: در ۲۳ شهریور ۱۳۵۷ در سراب (یکی از شهرهای کردستان) سرپاسبان شادخواه اعلام کرد که یک قطعه از پیکره محمدرضا پهلوی (نصب شده در انتهای بلوار فرح آن شهر) جدا شده و به زمین افتاده است. همچنین زیر بغل دست راست مجسمه یک عدد بمب ساعتی جاسازی شده بود که مأموران امنیتی با حضور در محل آن را ختنی کردند؛ «یک روز قبل

از اعتصاب کارکنان بانک مرکزی دو نفر از کارکنان بانک مزبور به اسامی عربی و خطیبی تمثال همایونی را از سفره خانه بانک بیرون آورده و در حضور کارمندان به زمین زده و می شکنند؛^{۶۸} در ۲۴ آبان ۱۳۵۷ دانش آموزان مدرسه عالی سپهسالار عکس منصور را از کتابهای خود پاره کرده، آتش زدند؛^{۶۹} در ۶ آذر ۱۳۵۷ عکس محمدرضا و فرح پهلوی، در یکی از کلاسهای مدرسه طوفانیان واقع در سرخه حصار تهران توسط معلمی به نام مسروری پاره شد؛^{۷۰} «روز ۵۷/۹/۱۷ حدود ۲۰ نفر دانش آموز و دانشجو به محل پناهگاه پلنگ چال از ارتفاعات در که مراجعه و مسئول موقت محل مزبور را احضار و به وی اخطار می نمایند که تمثال شاهنشاه آریامهر را از محل پناهگاه پایین بیاورد و وی را تهدید می نمایند که در صورت عدم اجرای این امر رأساً مبادرت به این عمل خواهند نمود...»^{۷۱}؛ در ۲۳ آذر ۱۳۵۷ فتوکی کاریکاتور منصور در منطقه بازار و تجریش توزیع گردید؛^{۷۲} در ۲ دی ۱۳۵۷ عکسی از کارتر و فرح پهلوی در قسمت زنانه مسجد همت آباد واقع در میدان حسن آباد تهران نصب شده و در دید مردم و بانوان قرار گرفته بود. همچنین روز قبل یکی از بانوان ضمن سخن رانی از دولت و حکومت انتقاد کرد.^{۷۳}

پانوشتها:

- ۱- کیهان، ۱۹/۶/۱۳۵۴.
- ۲- سند شماره ۳۲۵/۷۱۸-۴۹/۶/۳۱.
- ۳- سند شماره ۳۲۵/۸۷۳-۴۹/۸/۶.
- ۴- سند شماره ۳۴۷/۵۳۳-۵۲/۴/۲۵.
- ۵- سند شماره ۷۳۰۴۰/۷۳-۵۲/۴/۲.
- ۶- سند شماره ۳۴۷/۵۳۲-۵۲/۲/۲۵.
- ۷- وزارت فرهنگ و هنر، صورتجلسه مورخ ۱۳۵۲/۳/۷- سند شماره ۱۱۵-۵۲/۳/۱۵.
- ۸- سند شماره ۳۴۷/۱۹۳۶-۱۳۵۲/۱۲/۵.
- ۹- سند شماره ۳۲۷/۹۱-۵۳/۸/۷؛ رونوشتی از این نامه به ساواک بوشهر نیز ارسال شده بود «گیرنده: ریاست ساواک بوشهر (امنیت داخلی) جهت اطلاع (بازگشت به شماره ۱۱۰۶۲/۱۶/۱۱۰۶۲-۵۳/۸/۲)».
- ۱۰- سند شماره: ۳۴۷/۱۳۸۰-۵۳/۱۲/۱۳.
- ۱۱- سند شماره: ۱۶/۵۴۶۲-م/۱۶/۵۳/۱۲/۲۴.
- ۱۲- سند شماره ۳۴۷/۱۱۷-۳۵/۲/۲- [۲۵].
- ۱۳- سند شماره: ۳۴۳/۲۹-م/۱۶/۷۰۴/۴۳/۲۹- [۲۵].
- ۱۴- سند شماره: ۳۴۷/۵۳۵-۳۶/۴/۱۹- [۲۵].
- ۱۵- سند شماره: ۱۶/۲۸۸۷-م/۱۶/۳۶/۶/۷- [۲۵].
- ۱۶- سند شماره: ۴۳/۱۰۹-م/۴۳/۱۰۹-۲۵۳۶/۴/۸.
- ۱۷- سند شماره ۳۴۷/۱۱۷-۱۶/۳۲۹۷/۴۳/۱۱۷- [۲۵].
- ۱۸- سند شماره ۴۷۳۵۱۲-۳۶/۵/۲- [۲۵].
- ۱۹- اسناد شماره: ۴۳/۳۱۱-م/۴۳/۳۱۱- [۲۵] و ۱۶/۹۳۷۶-م/۱۶/۹۳۷۶- [۲۵].
- ۲۰- اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۰ ه.ش)، ج ۱، تهیه و تنظیم معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ ش، صص ۱۴۳-۱۴۶.
- ۲۱- همان، ج ۲، ص ۵۱۵.
- ۲۲- همان، ج ۲، ص ۵۱۶.
- ۲۳- همان، ص ۵۱۸.
- ۲۴- سند شماره: ۳۴۲.
- ۲۵- سند شماره: ۳۱۲/۱-۰-۴۸/۱۰/۶.
- ۲۶- گزارش محرمانه امیرقاسمی- ۱۳۵۱/۱۲/۲.
- ۲۷- سند شماره: ۱۸۹۳-۵۳/۷/۲۵.
- ۲۸- سند شماره: ۳۱۹۹-۵۳/۸/۱۰.
- ۲۹- سند پیشین.
- ۳۰- سند شماره: ۸۶۴-۵۳/۸/۱۵.
- ۳۱- سند شماره: ۱۸۷۹۱-۵۳/۸/۲۰.



مصلنامه مطالعات تاریخی

- ۳۲- سند شماره: ۵۳/۸/۱۶-۳۴۷/۹۵۱.
- ۳۳- سند شماره: ۱۳۵۳/۱۰/۱۶-۱۲۳۳.
- ۳۴- سند شماره: ۵۳/۱۱/۵-۳۴۷/۱۱۸۳.
- ۳۵- سند شماره: ۳۹/۳/۱-۶۷۱.
- ۳۶- سند شماره: ۵۱/۱/۸-پ۹/۴۰۴/۰۶/۱.
- ۳۷- سند شماره: ۵۱/۱/۱۲-۳۲۵/۳۶۵.
- ۳۸- سند شماره: نامه ۱۳۵۲/۲/۲۷.
- ۳۹- سند شماره: ۲۵]۳۵/۱۲/۱-۳/۱۰۹۲.
- ۴۰- سند شماره: ۵۲/۷/۱۱-۳۴۷/۱۲۷۳.
- ۴۱- سند شماره: ۴۸/۱۰/۱۸-۴ه ۲۰/۵۳۵۵۳.
- ۴۲- سند شماره: ۵۰/۶/۳۱-۸۳/۱۹۲۳.
- ۴۳- سند پیشین.
- ۴۴- سند شماره: ۵۰/۱۱/۲۵-ش/۲۴۴۸/۸۳/۱۹۲۳.
- ۴۵- سند پیشین.
- ۴۶- سند شماره: ۵۱/۱۰/۲۳-۳۲۴-۳۴۷.
- ۴۷- سند شماره: ۱۳۵۱/۳/۸-۴۱۲۳۲/۱۱.
- ۴۸- سند شماره: ۵۱/۳/۴-ه ۲۵/۳۳۸۱.
- ۴۹- سند پیشین.
- ۵۰- سند شماره: ۵۱/۹/۲۳-ش/۱۰۰۶.
- ۵۱- سند پیشین.
- ۵۲- سند پیشین.
- ۵۳- سند شماره: ۵۳/۲/۳۰-۷۵۸۰.
- ۵۴- سند شماره: بخش ۵۱/۱/۱۴-۳۲۵.
- ۵۵- سند شماره: ۵۳/۹/۱۸-ه ۱۲/۱۳۱۰۴.
- ۵۶- سند شماره: ۵۱/۱۰/۲۳-۳۲۴-۳۴۷.
- ۵۷- سند شماره: ۱۳۵۱/۳/۱۱-ه ۳۸۹۸.
- ۵۸- سند شماره: ۱۳۵۳/۴/۱۶-ه ۱۰/۷۴۰۶.
- ۵۹- سند شماره: ۱۳۵۳/۱۲/۱۸-۴۰۸۳.
- ۶۰- سند شماره: ۵۴/۵/۷-ه ۲۰/۹۷۷.
- ۶۱- سند شماره: ۵۰/۱۲/۳۰-ه ۸۶۰۸.
- ۶۲- سند شماره: ۵۱/۱/۲۶-۳۲۵/۴۲۳.
- ۶۳- سند شماره: ۵۱/۳/۱۳-س/۱۰/۴۰۶-ه ۱۰/۷۱۱۶-ه ۱۰/۳/۳۰).
- ۶۴- سند شماره: ضمیمه پرونده ۵۲/۹/۱۲-۴۷۳۵۱۲.
- ۶۵- سند شماره: ۴۸/۴/۲۸-۱/۲۲۶۱۹/۷/۱۲۷۱۰.
- ۶۶- سند شماره: ۵۴/۱/۱۹-۴۰۳/۰۲۰۷۶.

عکسها و مجسمه ها

- ۶۷- سند شماره: ۴۸/۱/۱۸/۳۰۲.
- ۶۸- سند شماره: ۵۷/۸/۲۳-۱۱۵۲۰/۱۵۹۲۵.
- ۶۹- سند شماره: ۵۷/۸/۳۰-۵۲۰/۲۶۰۵۹.
- ۷۰- سند شماره: ۱۳۵۷/۹/۸-۹۰۳۳.
- ۷۱- سند شماره: ۵۷/۱۰/۳-۳۴۵۲۰/۸۸۵۴۹.
- ۷۲- سند شماره: ۵۷/۹/۲۵-ش/۵/۳۲۲۲.
- ۷۳- سند شماره: ۵۷/۱۰/۲-۳۸۱/۱۱۵۷۷-۱۱۶ ج ۸.

